

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام

نقش شیعه در تاریخ نگاری اسلامی

با نگاهی انتقادی به کتاب

“اثر التشیع علی الروایات التاریخیه فی القرن الاول الهجری”

استاد ارجمند: دکتر نعمت الله صفیری فروشانی

استاد مشاور: سید حسین فلاح زاده

پژو، مسگر: محمد غضنوری

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

تقدیم به:

عترت پاک محمد صلی الله علیه و آله

که ثقل ثانی، کوثر نبوی و سفینه نجات هستند.

تشکر و قدردانی

سپاس و ستایش خالصانه، خداوندگار منان را سزا است که توفیق داد در وادی دانش گام نهاده و این پژوهش را به سرانجام برسانم؛ و درود می‌فرستم بر رسول اعظم خدا و امامان اهل‌بیت صلوات الله علیه و علیهم اجمعین.

پدر و مادرم ارجمندم را نیز که مرا پروریده و به این راه رهنمونم گشتند، با تمام وجود سپاس می‌گویم.

اما این تحقیق با هدایت و مشورت اساتید محترمی به بار نشست که وظیفه خود می‌دانم از کمک‌های دلسوزانه و هدایت‌گرانه آنان قدردانی نمایم. از استاد گران‌قدر جناب آقای دکتر نعمت الله صفری فروشانی که راهنمایی رساله را تقبل فرموده و بسیار یاریم کردند و نیز استاد محترم جناب آقای دکتر سید حسین فلاح‌زاده که مشاوره طرح را بر عهده داشتند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. یاری مسئولان و کارمندان کتابخانه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و به ویژه از مساعدت‌های مدیران سابق و کنونی پژوهشگاه تاریخ و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام جناب آقای دکتر واسعی و جناب آقای دکتر الله اکبری را نیز که مجالی برای تدوین پایان‌نامه فراهم کردند، ارج می‌نهم.

همچنین از مسئولین، مدیران و کارکنان دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام که در مواقع و مراحل گوناگون، زحمات رساله‌ها را بر دوش دارند، تشکر می‌کنم.

و نیز پاس می‌دارم صبر و تحمل همسر و فرزندانم را که در تمام مراحل تحقیق و تدوین رساله مرا یار و همراه بودند.

چکیده:

تاریخ نگاری از حوزه‌های چالش برانگیز در تاریخ اسلام و در میان گروه‌ها و فرق مسلمان می‌باشد. برخی مخالفان شیعه به ویژه وهابیان در رقابت و نزاع با شیعه می‌کوشند اولاً نقش شیعیان را در تاریخ نگاری اسلامی و تدوین آثار تاریخی بسیار برجسته و پررنگ نشان دهند و ثانیاً راویان و مورخان شیعه را به تاریخ سازی و جعل اخبار و روایات شیعی متهم کنند.

یکی از نمایندگان این تفکر، عبدالعزیز نورولی است که در کتاب *اثر التشیع علی الروایات التاریخیه فی القرن الاول الهجری* کوشیده تا با خدشه در ناقلان بعضی از وقایع مهم تاریخ اسلام در سده اول و برخی فضایل اهل بیت علیهم السلام به خصوص مناقب علی علیه السلام، آن حوادث و فضایل را جعلی و ساخته راویان و مورخان شیعه وانمود سازد.

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به برخی از شبهه‌ها و انتقادهای مخالفان انجام شده و پس از تبیین مناظرات تاریخی شیعه و سنی و با بررسی اوضاع منازعات عصر حاضر، مباحث را از دو جنبه پی گرفته است. از سویی به معرفی شماری از تاریخ نگاران و تحلیل تاریخ نگاری شیعه پرداخته شده و چنین نتیجه گرفته است که حجم و گستره تاریخ نگاری شیعه نسبت به اهل سنت به مراتب کمتر بوده و این شیعیان هستند که محتاج منابع سنی می‌باشند. از سویی دیگر به نقد کتاب پیش گفته پرداخته و آن را از حیث اسناد و منابع، روش و محتوا غیر علمی و غیر تاریخی ارزیابی کرده است.

واژه‌های کلیدی: شیعه، تشیع کوفی، تشیع اعتقادی، امامیه، رفض، تاریخ نگاری، تاریخ نگاری

شیعه، نقد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
طرح تفصیلی پژوهش	1
مقدمه	2
بیان مسأله	4
ضرورت، اهمیت و فایده پژوهش	5
اهداف پژوهش	5
سؤال اصلی	6
سوالات فرعی	6
فرضیه‌ها	7
پیش فرض‌ها	7
روش تحقیق	7
واژه‌های کلیدی	7
بررسی منابع	8

14	پیشینه تحقیق
19	فصل یکم
20	کلیات
21	گفتار یکم: مفهوم شناسی
21	الف: شیعه
21	ب: امامیه
21	ج: رفض
22	
24	ج: تشیع کوفی
25	د: تشیع اعتقادی
27	گفتار دوم: پیدایش شیعه
32	گفتار سوم: منازعات بین شیعه و سنی
32	الف: پیشینه منازعات
34	1- مناظره‌ها
34	1-1. مناظره‌های شفاهی
35	2-1. مناظره‌های مکتوب
40	2- ردیه‌ها
42	2-1. ردیه‌های علمای سنی بر ضد شیعه
43	2-2. ردیه‌های دانشمندان شیعه
45	ب: وضعیت کنونی منازعات
48	1- ردیه‌های شیعه
50	2- ردیه‌های وهابیان و سنیان علیه شیعه

55	3- ویژگی رديه‌هاي كنوني اهل سنت
56	سخن پایانی
57	فصل دوم: تاریخ نگاری شیعه در قرون نخستین هجری
58	مقدمه
59	محدوده زمانی بحث
60	بخش یکم: تاریخ نگاری اسلامی
60	1- مراحل تاریخ نگاری اسلامی
65	2- موضوعات تاریخی سده‌هاي نخستین هجری
66	3- سیر تدوین متون تاریخی
70	بخش دوم: تاریخ نگاری شیعه
71	1- جایگاه تاریخ در نزد شیعه
73	2- سیر تاریخ نگاری شیعه
74	تاریخ نگاران شیعه
74	1- عبیدالله بن ابی‌رافع
76	2- أصبغ بن نباته مجاشعی
77	3- سلیم بن قیس هلالی
79	4- جابر بن یزید جعفی
80	5- ابان بن تغلب
81	6- ابومخنف
85	7- ابان بن عثمان أحمر
87	8- هشام بن محمد کلبی
91	9- نصر بن مزاحم منقری
93	10- عیسی بن مهران مستعطف

- 11- علي بن مهزيار اهوازي 94
- 12- احمد بن محمد بن خالد برقي 95
- 13- ابراهيم بن محمد ثقي 98
- 14- احمد بن اسحاق يعقوبي 100
- 15- محمد بن زكريا غلابي 102
- 16- منذر بن محمد قابوسي 103
- 17- محمد بن مسعود عياشي 105
- 18- عبدالعزيز بن يحيي جلودي 107
- 19- محمد بن علي بن فضل بن تمام زيات كوفي اصغر 110
- 20- محمد بن عمر بن محمد مشهور به ابن جعابي 111
- 21- احمد بن محمد بن جعفر صولي 115
- 22- محمد بن وهبان دبيلي 117
- 118 سهم شيعه از تاريخ نگاري اسلامي
- 123 جمع بندي
- فصل سوم: بررسي و نقد كتاب اثر التشيع علي الروايات التاريخيه 125**
- الف: گزارش اجمالي از محتوا و تقسيم بندي كتاب 126
- ب: روش شناسي كتاب 130
- 1- روش نورولي در تدوين كتاب 130
- 2- نقد روشي نويسنده در اين كتاب 132
- ج: اسناد و منابع كتاب 147
- 1- گونه شناسي منابع 147
- 2- چگونگي کاربرد منابع در هر موضوع 151
- د: نقد محتواي كتاب 157

175 سخن پایانی
182 پیوست ها
183 پیوست شماره 1 رديه‌هاي شيعه و سني در گذشته
194 پیوست شماره 2 رديه‌هاي سنيان و وهابيان در عصر کنوني
203 کتاب‌نامه

مقدمه

تاریخ اسلام از آغاز پیدایش و از زمان بعثت و به ویژه پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله، با حوادث و رخدادهایی همراه بود که گاه در مواجهه با عناصر بیرون از اسلام رخ می نمود و گاه در درون جامعه اسلامی پدید می آمد و به عنوان یک تجربه یا حادثه در آینده جامعه اسلامی اثر گذار بود و زمینه را برای بروز و ظهور جریان های عقیدتی، سیاسی و یا ترکیبی از هر دو فراهم می آورد. هر چه از صدر اسلام فاصله می گیریم، نمود و پدیداری این جریان ها، نظریه ها و در مراحل بعد فرقه های گوناگون را بیش تر شاهد هستیم به گونه ای که از سده های دوم و سوم به بعد، ده ها گروه و فرقه قابل شناسایی هستند که بعضی کوتاه مدت و مولود حادثه های خاص و برخی دارای بنیان های فکری و عقیدتی ماندگار بودند و به همین خاطر به صورت منسجم و سازمان یافته به فعالیت های خود ادامه داده و ده ها سال و برخی قرن ها تأثیر گذار بودند که هنوز هم شماری از آن ها به صورت یک جریان باقی مانده اند هر چند در گذر زمان، خود آن ها شاخه شاخه شده و با انشعابات متعدد روبرو گشتند. با این که این گروه ها و فرقه ها متشتت و متکثر هستند اما شیعیان و اهل سنت، دو گروه عمده و دو جریان اصلی جامعه اسلامی را شکل می دهند و منشأ جدایی و آغاز افتراق شان، تفاوت در نگاه آنان به مسأله جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که از روز رحلت آن جناب با اختلاف بر سر فرد جانشین بروز یافت و به صورت دو جریان و دو نظریه عقیدتی - سیاسی در درون جامعه اسلامی نمایان شد. همین امر پیدایش نوعی رقابت سیاسی و عقیدتی بین دو جریانی که بعدها مشخصاً شیعه و سنی نامیده شدند، گردید. ماهیت رقابت، تلاش برای پیروزی و منکوب و سرکوب کردن رقیب را در پی دارد که اگر انصاف و اخلاق بر این رقابت حاکم نباشد، رقبا از هر راهی برای پیروزی سود می جویند و رقابت را به نزاع و مخاصمه تبدیل می کنند. در چنین فضایی، دیگر حق و باطل ملاک و محور نیست بلکه هدف غلبه است و تصور می شود حق با کسی است که بتواند

از هر راهی و با هر ترفندی پیروز شود. از این رو طرفین به استدلال و احتجاجات یکدیگر واقعی ننهاده و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا نقاط ضعف هم را یافته و از همان موضع ضربه زنند و با همین هدف می‌کوشند حتی نقاط قوت و مثبت را منفی جلوه داده و به نقطه آسیب پذیر تبدیل نمایند. روشن است که در چنین شرایط غبار آلود، حق و باطل درهم آمیخته و تشخیص راه درست برای پیروان هر دو طرف دشوار می‌شود که اگر تعصبات و امیال نفسانی هم به کمک بیاید، دیگر کسی به دنبال حق نخواهد بود. از آن جا که تقابل شیعه و سنی از آغاز صرفاً عقیدتی نبوده بلکه بیشتر جنبه سیاسی داشته است، به طور طبیعی توقع تفاهم و اتفاق نمی‌رفت. از همین رو است که هر چه از صدر اسلام دورتر می‌شویم، فاصله‌ها بیش‌تر شده و اختلافات عمیق‌تر می‌گردد و کار به جایی می‌رسد که تندروهای متعصب، بدون دلیل شرعی و بر خلاف دستورهای اسلام و قرآن، جناح مقابل را به فساد عقیده، خروج از دین و در نهایت کفر متهم ساخته و به مباح بودن جان و مال مسلمانان فتوا می‌دهند حتی به این هم اکتفا نکرده و غیر مسلمانان را بر رقیب مسلمان خود ترجیح داده و این را دشمن‌تر از آن می‌شمارند.

در چنین فرآیندی است که هر گروه از مسلمانان، در برخی از مواقع، برای اثبات حقانیت خود و تخطئه دیگری، به خلق آثار تاریخی، کلامی، حدیثی و ردیه نویسی پرداخته و مخالفان خود را به دروغ پردازی، سند سازی، جعل حدیث و تحریف تاریخ متهم کرده‌اند.

صد البته کسانی بوده‌اند که این مخاصمات سیاسی یا اعتقادی را مجوزی شرعی، عرفی، قانونی و یا حق طبیعی خود برای ساخت روایات، آن هم در سطحی وسیع و گسترده از زبان نبی اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله و از طریق افراد موثق در تأیید مشروعیت خود و در رد و مذمت مخالفان دانسته و برساخته‌اند. همین اخبار ساختگی به مرور دستاویز احتجاجات فرقه‌ها و گروه‌ها در تفسیق و تکفیر دیگران و دستمایه حکومت‌ها در سرکوب جریان‌های مخالف گردید.

این تقابل و تضارب دیدگاه‌ها در طول چهارده سده، موجب بروز مناظره‌ها و جدل‌های کلامی – سیاسی و برخوردهای اجتماعی – نظامی فراوان شده و هم اکنون هم به شکل‌های گوناگون و پنهان در جریان است و مقاله‌ها و کتاب‌های بی‌شمار در حوزه‌های تاریخ، کلام و حدیث با این نگاه و با هدف تضعیف و تخریب طرف مقابل، چاپ و منتشر می‌شود. یکی از این آثار کتاب: **اثر التشیع علی الروایات التاريخیه فی القرن الاول الهجری**، تألیف عبدالعزیز محمد نورولی است که نویسنده، همسو با جریان

خاص که در فصل سوم به آن خواهیم پرداخت، تلاش کرده تا مورخان شیعه را به جعل و تحریف روایات تاریخی متهم کند و مورخان مسلمان را به صرف گزارش این گونه اخبار، با شیعه‌گری مرتبط سازد و در نتیجه تاریخ نگاری اسلامی را هر آن جا که به سود شیعه و زیان مخالفان آن است، مخدوش جلوه دهد.

این پژوهش بر آن است تا این ادعاها و اتهام‌ها را با استناد به منابع اسلامی و با روش نقد و تحلیل تاریخی بررسی و تحلیل نماید.

بیان مسأله

تاریخ نگری و تاریخ نگاری یکی از مباحث مورد علاقه دانشمندان دوران معاصر است و کسان زیادی به این حوزه وارد شده و به کند و کاو در گزارش‌های تاریخی و صحت و سقم آن‌ها از طریق نقد روایات و جرح و تعدیل اسناد آن‌ها پرداخته و می‌پردازند. تاریخ نگاری اسلامی که از سده‌های نخستین آغاز شده، محصول تلاش ده‌ها دانشمند و مورخ مسلمان است که حوزه گسترده‌ای از دانش اسلامی را به خود اختصاص داده و مجموعه‌های عظیم تاریخی را پدید آورده است. در پدیداری این آثار تاریخی و انتقال اخبار و روایات تاریخی به نسل‌های بعد، به جز پیروان و طرفداران خلافت رسمی، گذشته از سایر فرق شیعی، گروهی از تاریخ نگاران شیعه امامیه نیز سهم داشته و نقش آفریده‌اند که به گردآوری و نقل اخبار و تدوین کتاب‌های تاریخی همت گماشتند. اگر چه بیشتر این آثار به دلایلی همچون دلایل سیاسی از بین رفتند اما نقل‌ها و گزارش‌هایی از آن‌ها در سایر کتب شیعی و غیر شیعی باقی مانده است. در دوره‌های بعد و به ویژه در عصر کنونی که منازعات پیدا و پنهان عقیدتی همانند گذشته و گاه به مراتب شدیدتر با اشکال مختلف جریان دارد، طرفداران هر کدام از مذاهب تلاش می‌کنند مخالفان عقیدتی خود را به ساختن و پرداختن اخبار تاریخی به سود خود و علیه دیگران متهم سازند تا از این راه بر حقانیت و مشروعیت مذهب خود بیفزایند. در سده‌های نخستین و میانی، اهل سنت و به ویژه جناح تندرو عثمانیان و حنبلیان در یک سو و شیعیان دوازده امامی در سوی مقابل به جرح و رد هم می‌پرداختند. در عصر حاضر خصوصاً پس از ظهور وهابیت که مدعی پیروی از سلف است، شیعه همه جانبه مورد تهاجم و تخطئه قرار گرفته و مخالفان آن، انواع اتهام‌های تاریخی، کلامی و سیاسی را به شیعه نسبت می‌دهند و با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون تبلیغاتی اعم از کتاب، مقاله، ماهواره و اینترنت عرصه را تنگ آورده‌اند. وهابیان که دشمنی سرسختی با شیعه دارند، تمام ابزار و امکانات خود را برای تضعیف شیعه به کار گرفته‌اند. یکی

از راهکارهای مبارزه با تشیع، تشکیک در گزارش‌های تاریخی است که به مذاق این نحله خوش نمی‌آید. اینان تلاش می‌کنند با بازخوانی متون تاریخی و نقد اسناد روایات، شیعه را متهم به جعل چنین روایاتی نموده و با بستر سازی و در شرایط مساعد، اقدام به پاکسازی منابع اسلامی از این گونه اخبار نمایند. یکی از نمایندگان بارز این رویکرد، عبدالعزیز محمد نورولی است که در رساله دکترایش به تفصیل به این کار مبادرت ورزیده و هر خبری که بر حقانیت شیعه دلالت داشته را برساخته شیعیان وانموده است. بنابراین بررسی درستی یا نادرستی چنین ادعاهایی با روش‌های نقد تاریخی، ضروری است.

ضرورت، اهمیت و فایده پژوهش: تاریخ نگاری شیعه همانند بسیاری از شاخه‌های علوم همچون: طب، نجوم، ریاضیات، فلسفه، ادبیات، تفسیر و علوم قرآنی، از سوی تاریخ پژوهان شیعه آن گونه که توقع می‌رود مورد توجه و کاوش قرار نگرفته است. در مقابل رقبای شیعه به نقد تاریخ نگاری شیعه پرداخته و با پیش فرض‌های منفی، مورخان و روایان اخبار شیعی را تا حد ممکن تضعیف و به جعل و تحریف گزارش‌های تاریخی متهم ساخته‌اند. انبوه کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در نقد و رد اخبار تاریخی شیعه پدید آمده¹ گواه عمق این رویکرد تهاجمی است و به طور روزافزون بر حجم آن افزوده می‌گردد. از سوی دیگر غفلت و سستی جامعه شیعه را به نمایش می‌گذارد که در برابر حجم سنگین فشارهای فکری – عقیدتی، تحریک مناسب را نداشته و به دفاع از کیان خود بر نمی‌خیزد. از این رو ورود به این حوزه و توجه دادن نگاه‌ها به وادی تاریخ نگاری شیعه از فواید مهم این پژوهش خواهد بود.

اهداف پژوهش: اتهام به شیعه چه در بعد عقیدتی – کلامی و چه در بعد تاریخی، تازگی ندارد و شیعه به رغم این که برای خود اصالت، تاریخ و حقایق انکار ناپذیر قایل است اما همواره با ایجاد شبهه در ماهیت و هویت خود از جانب مخالفان سیاسی – عقیدتی مواجه شده است. یکی از حوزه‌هایی که بنیاد تشیع را در معرض چالش قرار داده، اخبار و نصوص تاریخی است. مخالفان تلاش می‌کنند با اتهام ساختگی بودن این گزارش‌ها، شیعه را از اساس با خلا هویتی مواجه سازند. بنابراین ورود شیعه به این حوزه با رویکرد تحلیلی و روشمند، بسیار مهم و ضروری ارزیابی می‌شود و می‌تواند بسیاری از نقاط ضعف تاریخی شیعه را که شدیداً با فقر مواجه است، پوشش دهد. از این رو این پژوهش اهداف زیر را به عنوان چشم‌انداز خود در نظر دارد؛

¹ - به پیوست شماره 2 مراجعه شود.

الف: تأکید بر ورود به حوزه تاریخ نگاری شیعه به صورت تخصصی.

ب: نشان دادن نقش و سهم شیعه در تاریخ نگاری اسلامی.

ج: دفاع از محدثان و مورخان و به طور کلی تاریخ نگاری شیعه.

د: روشن ساختن اهداف پنهان مخالفان شیعه در انتساب تاریخ سازی به شیعه.

ه: نقد تاریخی و منصفانه اتهام‌های رایج بر ضد شیعه.

سؤال اصلی:

نقش شیعه در تاریخ نگاری اسلامی به چه میزان است؟ و آیا کتاب اثر التشیع علی الروایات التاریخیه، به صورت روشمند به نقش راویان و مورخان شیعی در تحریف تاریخ پرداخته است؟

سوالات فرعی:

- منازعات و مناظرات شیعه و سنی از چه زمانی و بر حول چه مباحثی شکل گرفت؟
- مخالفان شیعه، از چه ابزار و روش‌هایی بر ضد شیعه سود می‌جویند؟
- چرا برخی مخالفان عقیدتی شیعه، برای تضعیف آن، اتهام تاریخ سازی را دست آویز خود قرار داده‌اند؟
- چه گروه‌ها و جریان‌هایی شیعه را به جعل روایات متهم کرده و می‌کنند؟
- جایگاه و اهمیت تاریخ در نزد شیعیان چه قدر بوده است؟
- آیا همه اخبار شیعی، تنها از طریق راویان شیعه گزارش شده است؟

فرضیه‌ها:

- 1- به رغم تمام تلاش‌های شیعیان، نقش شیعه در تاریخ نگاری اسلامی در مقایسه با اهل سنت کمتر و محدودتر است.
- 2- نویسنده کتاب اثر التشیع علی الروایات التاریخیه، در نقد روایات و مورخان شیعه، منصفانه و با معیارهای علمی و تاریخی رفتار نکرده است.

پیش فرض‌ها:

- هر پژوهشی، پیش فرض‌ها و اصول پذیرفته شده‌ای دارد. در این رساله نیز مواردی به عنوان اموری مسلم فرض شده‌اند؛
- نخست آن که شیعیان به مباحث تاریخی ورود داشته‌اند. هم اخبار تاریخی را گزارش کرده‌اند و هم کتاب تاریخی نوشته‌اند.
 - در تاریخ اسلام تحریفات فراوان رخ داده است اما منحصر در یک گروه یا فرقه نیست بلکه همه فرق با اهداف گوناگون کم یا زیاد مرتکب آن شده‌اند.

روش تحقیق:

موضوع پیش رو به لحاظ ماهیتی که دارد، هم توصیفی خواهد بود و هم تحلیلی که در بعد تحلیل، از روش تحلیل تاریخی بهره گرفته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی:

- 1- شیعه²: اگر چه عنوان شیعه، مفهومی عام بوده و همه گروه‌های شیعه را شامل می‌شود اما در این پژوهش، تنها شیعیان امامی مراد است. چون فرقه‌هایی که شیعه شناخته می‌شوند، هم در اصول و هم در فروع با یکدیگر اختلافات فراوان دارند و بعضی همانند زیدیه از نظر فقهی، سنی به شمار می‌روند نه شیعه.
- 2- تاریخ نگاری اسلامی: تاریخ نگاری، اصطلاحاً از دانش‌های درجه دوم در باب تاریخ است که نگاه از بیرون به تاریخ دارد و به بررسی سبک و روش تاریخ نگاری افراد و مکتب‌ها (با فرض درستی مکاتب تاریخ نگاری) پرداخته و به بیان نقش گروه‌ها و افراد در این فن و تأثیر و تأثر آنان می‌پردازد. قید اسلامی آن نیز تاریخ نگاری را به کوشش‌های مسلمانان در این حوزه محدود می‌سازد. در تاریخ نگاری اسلامی، بیشتر فرق و گروه‌ها با نگرش‌ها و گرایش‌های خاص خود نقش آفریده‌اند. از جمله شیعیان امامی که این تحقیق متکفل بیان نقش آنان می‌باشد.
- 3- نقد: منظور از نقد در این جا، نقد روشی، سندی و محتوایی است. در این رساله علاوه بر تبیین تاریخ نگاری شیعه، به بررسی و نقد یکی از کتاب‌های وهابیان پرداخته خواهد شد که در آن نقش

² - در فصل یکم و ذیل عنوان مفهوم شناسی، در این باره مفصل‌تر بحث شده است.

شیعه را بسیار پررنگ و اثرگذار معرفی کرده و به گمان خود ردیای شیعه را در گزارش همه حوادث و رخدادهاي سده نخست هجري نشان داده است. از آن جايي که این کتاب ارتباط تنگاتنگي با تبیین این موضوع دارد، به ناچار به نقد آن می‌پردازیم. لازمه پی بردن به درستی یا نادرستی مطالب يك منبع، بررسی همه جانبه آن با روش‌هاي علمي و پذیرفته شده و به اصطلاح نقد روشمند است. در چنین نقدي، گرایش‌ها و وابستگی‌هاي فكري نویسنده، اهداف نویسنده، روش و منابع تحقیق آن فرد، گزارش‌هاي مورد نظر او و ردیای آن‌ها در منابع و کشف علل گزینش آن‌ها و مواردی از این قبیل باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد و به عبارت دیگر، با دو رویکرد نقد بروني و نقد دروني ارزیابی شود.

بررسی منابع:

این تحقیق بازگو کننده تاریخ نگاری شیعه با نگاهی به فرآیند منازعات و مناقشات تاریخی شیعه و سنی است. از این رو بررسی سیر تحول رقابت‌هاي فرقه‌اي این دو جناح که هیچ‌گاه متوقف نشده و نخواهد شد و از قضا به مباحث نظري هم کشیده شده و به نقل حدیث، خصوصا به اختلافات حوزه تاریخ نگاری نیز دامن زده است، به عنوان بستر تاریخ نگاری، بسیار مهم و ضروري می‌باشد. بنابراین منابع این تحقیق به سه دسته تقسیم می‌شوند:

1- منابع رجالي اهل سنت: که عمدتا با نگاهی بدبینانه، پیوسته در صدد تضعیف و تکذیب محدثان و راویان شیعه از يك سو و از دیگر سو انتساب راویان و مورخان اخبار شیعی به شیعه هستند و از این منظر هر فردي که خبري شیعی نقل کرده یا علیه دشمنان اهل بیت عليهم السلام موضع گرفته باشد، به شیعه‌گري متهم شده و گزارشات آنان تضعیف یا تکذیب گردیده است. از این دسته منابع کتاب‌هاي؛ تاریخ ابن معین (م280)، الضعفاء و المتروکین نسائي (م303)، الضعفاء الکبیر عقيلي (م322)، الجرح و التعديل ابن ابی حاتم (م327)، المجروحین ابن حبان (م354)، الكامل في ضعفاء الرجال ابن عدی (م365)، الضعفاء ابونعیم اصفهانی (م435)، التعديل و التجريح باجي (م474)، میزان الاعتدال ذهبي (م748) و لسان المیزان ابن حجر (م852) را می‌توان نام برد.

2- منابعی که به طور تخصصی درباره جعل و تحریف و روایات ساختگی نوشته شده‌اند: این‌ها دو گروه هستند؛

1-2. منابع جعل در آثار اهل سنت: در این زمینه کتاب‌های زیادی از سوی اهل سنت نوشته شده و برخی تا 79 کتاب را شمارش کرده‌اند³ که اگر چه جامع بوده اما کامل نیست و موارد دیگری نیز وجود دارد؛ مثلا کتاب‌های: **بیان وجوه التخلیط فی حدیث الاطیط** ابن عساکر (م 571ق)؛ **الکشف الحثیث عن رمی بوضع الحدیث** برهان الدین حلبی (م 841ق)؛ **التبیین لأسماء المدلسین** سبط ابن عجمی (م 841ق)؛ **تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس** ابن حجر عسقلانی (م 852ق) و **بحر الدم فی من تکلم فیہ الامام احمد بمدح او نم** ابن مبرد ابوالمحاسن یوسف بن حسن بن عبدالهادی (م 909ق). البته باید توجه داشت که در کنار جعلیات اهل سنت، بسیاری از روایات به اصطلاح شیعی موجود در کتب سنی، در این منابع، ساختگی معرفی شده‌اند.

2-2. منابع جعل در آثار شیعه. بعضی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الأخبار الدخیله، محمد تقی شوشتری؛ الموضوعات فی الآثار و الأخبار؛ و دراسات فی

الحدیث و المحدثین، هر دو نوشته هاشم معروف حسنی.

3- منابعی که مربوط به تاریخ نگاری هستند. این گروه خود سه دسته‌اند؛

1-3. منابع کتاب شناسی عمومی که همه آثار تاریخی و غیر تاریخی را در بر دارند.

برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الفهرست، ابوالفرج محمد بن اسحاق الندیم بغدادی (م 380ق): نخستین و مهم‌ترین منبع

کتاب شناسی تا قرن چهارم و یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ نگاری شیعه است. به یقین اگر این کتاب گران‌بها در دست نبود، بخش عظیمی از فرهنگ و تمدن اسلامی در بعد فرهنگی پوشیده می‌ماند و آگاهی ما به شمار زیادی از فرآورده‌های نوشتاری شیعه میسر نمی‌شد.

الفهرست، شیخ طوسی محمد بن حسن بن علی (م 460ق): وی با استفاده از منابع پیش از

خود از جمله فهرست الندیم به معرفی آثار شیعه پرداخته که در نوع خود و تا آن زمان شاید بی‌نظیر بوده اما در عین حال ناقص و دارای ایراداتی است. یکی از کاستی‌های منابع کتاب شناسی و عموماً کتب رجالی شیعه، اختصار بیش از حد و اکتفا به حداقل‌ها است. در این کتاب‌ها بر خلاف منابع رجالی اهل سنت، غالباً با ذکر نام‌ها و اسامی مواجهیم و کمتر اطلاعات جانبی به دست می‌دهند تا

³ - مهریزی، مهدی، مقاله "تحلیلی بر نگارش‌های الموضوعات در اهل سنت بر پایه کتاب موسوعه الأحادیث و الآثار الضعیفه و

الموضوعه"، فصلنامه علوم حدیث، شماره 49 - 50، ص 380.

آگاهی ما به زوایای زندگی علمی، اجتماعی و سیاسی افراد و همچنین آثار آنان بیشتر شده و تحلیل واقع بینانه‌تری بتوان ارائه کرد. این نکته ناشی از فقر تاریخی‌گری شیعه است که دست او را در حوزه تاریخ تنگ می‌فشارد. دیگر این که فهرست شیخ، جامع و مانع نیست. یعنی هم در گردآوری نویسندگان شیعه و آثار آنان، استقصای کافی نکرده و هم برخی غیر شیعه همانند ابوالحسن مدائنی، طبری و عبدالواحد بن عمر بن محمد مقرئ را آورده است.⁴

رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی کوفی (م450ق): مهم‌ترین و زبده‌ترین منبع کتاب شناسی شیعه تا میانه سده پنجم هجری به شمار می‌آید. نجاشی چنان که در مقدمه گفته، کتاب خود را در پاسخ کسانی نوشته که ادعا داشتند شیعه آثار علمی چندانی نداشته است. او با خلق این اثر که به نوعی ردیه هم محسوب است، خدمت شایانی به شیعه و انتقال پیشینه فرهنگی آن به نسل‌های آینده کرد. رجال او اگر چه کتاب شناسی است اما نکته‌های تاریخی فراوان و مباحث رجالی ارزنده‌ای دارد و به دلیل دقت و عمق درک خود وی، نظراتش در تضعیف یا توثیق افراد، مهم و قابل توجه ویژه ارزیابی می‌شود اما این بدان معنا نیست که خالی از اشکال باشد. همان اشکالات فهرست طوسی ولی در درجه‌ای به مراتب پایین‌تر بر این کتاب هم وارد است.⁵

فهرست أسماء علماء الشیعة و مصنفیهم، شیخ منتجب الدین علی بن بابویه رازی (متوفای اوایل قرن هفتم): پس از شیخ طوسی و نجاشی تا قرن ششم که منتجب الدین و نیز ابن شهر آشوب (588ق) اقدام به معرفی مؤلفان شیعه نمودند، يك خلاً دو بیست ساله را شاهدیم و در این دو قرن، شیعیان اثری در زمینه کتاب شناسی و رجال پدید نیآورده‌اند. همین امر اهمیت فهرست منتجب الدین را روشن‌تر می‌کند. چرا که وی با تکمله قرار دادن کتاب خود بر فهرست طوسی، این خلاً را تا حد زیادی پوشش داده و نویسندگان شیعه تا اواخر قرن ششم را معرفی کرده است. به همین علت همه منابع پس از او از این فهرست فراوان بهره برده‌اند. حر عاملی (م1104ق) در **امل الآمل و مجلسی (م1111ق)** در **اجازات بحار الانوار (جلد 105)** به طور کامل آن را آورده‌اند. میزرا عبدالله افندی (متوفای حدود 1130ق) در **ریاض العلماء**، سید محمد باقر خوانساری (م1313ق) در **روضات الجنات**، محدث نوری (م1320ق) در **خاتمة المستدرک**، آقابزرگ

⁴ - بنگرید: الفهرست، شماره‌های 900، 654 و 552.

⁵ - خانم نرگس مجیدی نسب در شماره 16 مجله "نامه تاریخ پژوهان"، آثار تاریخی شیعه در کتاب نجاشی را معرفی کرده است.

(م1389ق) در **الذریعه و طبقات اعلام الشیعه**، سید محسن امین (م1371ق) در **اعیان الشیعه** و دیگران آن را از منابع اصلی خود قرار داده‌اند.

معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديما و حديثا، محمد بن

علي بن شهر آشوب مازندراني (م588ق): این کتاب نیز همانند فهرست منتخب‌الدین، تتمه و تکمله فهرست طوسی می‌باشد و گویا هر دوی اینان بدون آگاهی از هم، در یک زمان و با هدف پر کردن خلأ فهرست نگاری شیعه به تدوین کتاب خود پرداخته‌اند. ابن شهر آشوب در کتاب خود علاوه بر فوائد متعدد، 600 شخصیت افزون بر شیخ طوسی دارد. همچنین در پایان کتاب، فصلی را به شاعران اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص داده و آنان را به چهار طبقه المجاهرون، المقتصدون، المتقون و المتکلفون تقسیم کرده است. **معالم العلماء**، مرجع بسیاری از منابع پس از خود از قبیل: **خلاصة الاقوال حلي (م726ق)**، **منهج المقال** میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی (م1028ق)، **نقد الرجال تفرشي (قرن 11)**، **بحار الانوار مجلسي، منتهي المقال** ابوعلی محمد بن اسماعیل حائری (م1215ق)، **روضات الجنات خوانساري و الذریعه** آقابزرگ بوده است. با وجود این، ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارد از جمله این که اطلاعات منابع پیشین را مخدوش و ناقص انتقال داده است. علاوه بر آن، گزیده‌گویی شدید و اکتفا به شهرت افراد که در آن زمان و یا دست کم برای خود وی روشن بوده از ایراداتی است که موجب دشواری استفاده از آن برای آیندگان و یا جا به جا برداشت شدن افراد در اثر تشابه نام‌ها و شهرت‌ها شده است.

الذریعة الي تصانیف الشیعه، تألیف گران سنگ آقابزرگ تهرانی (م1389ق) است که

سرنوشتی همانند **رجال نجاشي** دارد و به همراه **اعیان الشیعه** سید محسن امین و **تأسیس الشیعه** سید حسن صدر در پاسخ منکران صبغه و سابقه علمی شیعه، در 26 جلد نوشته شده است و جامع‌ترین اثر کتاب‌شناسی شیعه تا دوره معاصر می‌باشد. سبک آن الفبایی و بر اساس نام کتاب است. به همین خاطر یک نویسنده به تعداد آثارش در آن تکرار شده و تا حدی ملال آور جلوه می‌نماید. بعضی کتاب‌ها هم با نام‌های متعدد ذکر شده‌اند. نقص دیگر آن، یاد کرد از کسانی است که اثری در باب تاریخ یا عقاید شیعه داشته‌اند و در شمار شیعیان آمده‌اند. از این رو به آمار نویسندگان شیعه اندکی افزوده شده است. علی فاضل قائینی آن را در یک جلد، بر اساس شهرت نویسندگان و به صورت الفبایی خلاصه کرده است.

تأسیس الشیعه، تألیف سید حسن صدر (م1354ق) است که در چهارده فصل پیشگامی شیعه در بیش‌تر علوم از جمله تاریخ نگاری را بیان کرده و برخی از مورخان سنی را شیعه وانموده است.

موسوعة مؤلفي الاماميه، از پژوهش‌های در حال انجام است که حاصل تلاش گروهی از نویسندگان در مؤسسه "مجمع الفكر الاسلامي" قم می‌باشد و به معرفی نویسندگان شیعه از آغاز تا کنون می‌پردازد. این اثر به صورت الفبایی بر اساس نام نویسنده بوده و تا کنون چند جلد آن منتشر گردیده اما خیلی مختصر و عاری از علمیت لازم است. از این رو گاه دیده می‌شود که اشتباه منابع پیشین را مرتکب شده و برخی نویسندگان را با دو عنوان آورده است. در عین حال برای مدخل یابی منبع خوبی است.

فرهنگ نامه مؤلفان اسلامي: اثری است که به دست گروهی از محققان⁶ در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در حال انجام است و به شرح حال نویسندگان اسلامی اعم از شیعه، سنی و هر نویسنده‌ای که در حوزه تمدن اسلام نقش آفریده است، می‌پردازد. این مجموعه که از نظر زمانی از صدر اسلام قرن به قرن پیش می‌آید، تا قرون میانه پیش آمده و سه قرن نخست هجری در یک جلد و با روش الفبایی بر پایه نام مؤلف آماده انتشار می‌باشد. از آن جایی که این فرهنگ نامه تمام منابع پیش از خود را مرجع قرار داده، از جامعیت مناسبی برخوردار بوده و می‌تواند مرجع خوبی برای تحقیقات بعدی باشد. ضمن این که تحقیقی – تحلیلی بوده و اطلاعات خوبی از زندگی علمی، سیاسی و اجتماعی افراد به دست می‌دهد.

شمار دیگری از مأخذ و مصادر کتاب شناسی عبارت‌اند از: **كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون،** حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله بغدادی کاتب چلبی (م1067ق)؛ **أسماء الكتب المتمم لكشف الظنون،** عبداللطیف بن محمد بن مصطفی ریاضی زاده رومی (م1078ق)؛ **ایضاح المکنون فی الذیل علی كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون؛** هدیه العارفین أسماء المؤلفین و آثار المصنفین، هر دو تألیف اسماعیل پاشا بغدادی (م1339ق)؛ **معجم المطبوعات العربیة و المعربہ،** یوسف الیان سرکیس (م1351ق)؛ **الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و**

⁶ - و با مدیریت علمی و اجرایی نگارنده این تحقیق.

المستعربین و المستشرقین، خیرالدین زرکلی (م1410ق)؛ معجم المؤلفین؛ المستدرک علی معجم المؤلفین، هر دو نوشته عمر رضا کحاله (معاصر)؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی (قرن 12)؛ الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعه، سید علی خان مدنی شیرازی (م1120ق)؛ کشف الحجب و الاستار عن أسماء الكتب و الاسفار، سید اعجاز حسین کنتوری لکهنوی (م1286ق)؛ روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری (م1313ق)؛ مرآة الكتب، میرزا علی بن موسی بن محمد شفیع خراسانی مشهور به ثقة الاسلام تبریزی (م1330ق) ناقص است؛ کشف الاستار عن وجه الكتب و الاسفار، سید احمد حسینی صفائی خوانساری (م1359ق)؛ کشف الفهارس، سید محمد باقر حجتی؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا چهارم هجری، آذر تقضلی و مهین فضائلی جوان؛ و فرهنگ زندگی نامه‌ها، نوشته گروهی، در این زمینه قابل استفاده هستند.

2-3. منابع عام تاریخی نگاری اسلامی:

برخی از مآخذ، با این که تاریخ نگاری اسلامی را به طور عام بررسی کرده‌اند و یا حتی آن را در ضمن موضوعی دیگر آورده‌اند، ولی به تاریخ نگاری شیعه نیز پرداخته‌اند. این منابع، به دو گروه قدیم و جدید تقسیم می‌شوند؛

الف: منابع قدیم: در این قسم از دو اثر می‌توان یاد کرد؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن حسین مسعودی (م346ق)، در اوایل جلد یکم، گروهی از نویسندگان تاریخ و آثارشان را معرفی می‌کند؛ الاعلان بالتوبیخ لمن ذم اهل التاريخ، عبدالرحمان بن محمد بن ابی‌بکر بن عثمان سخاوی قاهری شافعی (م902ق)، با این که به تفصیل به تاریخ نگاری اسلامی پرداخته اما از شیعه جز چند مورد اندک مطلبی ندارد. در واقع تاریخ نگاری سنی را بررسی کرده و در برخی موارد مثل تواریخ محلی یا عمومی ناچار از شیعیانی نام برده است.

ب: منابع جدید: در این گروه چهار اثر قابل توجه هستند؛ تاریخ تاریخ نگاری در اسلام (جلد یکم)، فرانتس روزنتال؛ تاریخ نگاری در اسلام، سید صادق سجادی و هادی عالم زاده؛ علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی (جلد یکم)، محمد رضا آیینه‌وند؛ تاریخ سیاسی اسلام (جلد یکم، سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، ص15 - 150)، رسول جعفریان.

3-3. منابع خاص تاریخی نگاری شیعه:

این دسته منابع چون پیشینه تحقیق به شمار می‌آیند، در ادامه معرفی خواهند شد.

پیشینه تحقیق:

درباره تاریخ نگاری شیعه، پژوهش علمی و تحلیلی صورت نگرفته است. تنها چند کتاب و مقاله توصیفی گاه با اندکی اشاره به زوایایی از تاریخ نگاری شیعه وجود دارد؛ اما شیعه همانند تاریخ، به تاریخ نگاری نیز کم توجه بوده و به طور اصولی و پر دامنه وارد نشده است. در عوض مخالفان شیعه به نقد تاریخ نگاری شیعه پرداخته و به شدت آن را زیر سؤال برده‌اند. ما در این جا هر دو گروه را معرفی می‌کنیم؛

الف: آثار مخالفان شیعه

- ما ادخلته الشيعة في التاريخ الاسلامي: صالح بن عبدالله المحيسن.
- اثر التشيع في كتابة التاريخ: ميزگرد مشترك سه تن از وهابیان: سلیمان بن حمد العوده، محمد بن صامل السلمی و یحیی بن ابراهیم بن علی الیحیی. به این دو اثر که نقد تاریخ نگاری شیعه هستند، دست نیافتیم.

ب: آثار شیعه

- معجم مؤرخي الشيعة، الامامية و الاسماعيلية و الزيدية: نوشته صائب عبدالحمید. این کتاب اولاً: صرفاً گردآوری و توصیفی و عاری از تحلیل بوده و فقط به صورت آماری به معرفی آثار تاریخی عموم شیعه تا قرن چهاردهم پرداخته و اختصاص به امامیه ندارد بلکه کتاب‌های اسماعیلیان و زیدیان را نیز آورده است و ثانیاً: تنها آثار تاریخی عربی را شمارش کرده و از ذکر آثار غیر عربی خودداری ورزیده که نقصی بزرگ و تأمل برانگیز است. ارجاعات کتاب هم سنتی و غیر علمی است. نقطه قوت آن اطلاعات ارزنده‌اش راجع به تدوین حدیث، تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، تفکیک غلات و منتسبین به شیعه، یادآوری برخی اشتباهات منابع و افزودن چند تن مورخ شیعه از منابع دیگر می‌باشد.
- تاریخ نگاران شیعه: اثر علی امامی‌فر. این کتاب در سه بخش؛ بخش اول شامل فصول مقدماتی،

درباره جایگاه تاریخ در اسلام، مفهوم شیعه و تشیع، موانع و مشکلات تاریخ نگاری شیعیان؛ بخش دوم حاوی گونه‌های تاریخ نگاری؛ و بخش سوم در بردارنده مورخان و مؤلفان شیعه تا قرن هفتم هجری است و در جمع، 176 نفر را آورده است. اگر چه دو فصل اول را به ظاهر به مباحث نظری اختصاص داده اما نکته تازه یا تحلیل روشنی ندارد و صرفاً به ذکر نکاتی کلی، ناقص و یا تکراری پرداخته و خالی از ایرادات و اشکالات مبنایی و محتوایی نیست. از جمله این که ارجاعات آن غیر علمی بوده و فراوان به منابع متأخر آدرس داده است. در بخش سوم و در شناسایی شیعیان، به کتاب‌های **أعیان الشیعه، الذریعه و تأسیس الشیعه** اعتماد کرده و افرادی چون ابن‌اسحاق، واقفی، معمر بن مثنی بصری، ابونعیم اصفهانی و... را شیعه معرفی نموده و تلاش کرده است وجه منفی شخصیت اشخاص را بیوشاند. در واقع بالا بردن جمعیت تاریخ نگاران شیعه را ارزش قلمداد کرده و همان روش سه منبع قبلی و به ویژه الذریعه را پیش گرفته و هر فردی که با اندک اتهام تشیع از سوی اهل سنت مواجه شده، در فهرست وی قرار گرفته است. به تعبیر دیگر تمام کسانی که ما در این پژوهش بر سر شیعه بودن آنان دعوا داریم و تلاش می‌کنیم تشیع آنان را اتهامی از سوی رجالیون سنی بنامیم، در آثار این چنینی، شیعه تلقی شده‌اند. ارجاعات این بخش نیز روشمند نبوده و شماری منبع، در پایان شرح حال افراد و یک جا آورده شده است. تقدم و تأخر منابع هم رعایت نشده و در بسیاری موارد، منابع دست اول، در انتها آمده است. در مجموع نکات قابل استفاده چندانی ندارد. به هر حال کاری است در آغاز راه و در حد خود شایسته تقدیر.

- **تاریخ نگاری در فرهنگ تشیع:** رسول جعفریان. این مقاله که قبلاً در شماره 41 مجله آینه پژوهش، چاپ شده بود، در مقدمه کتاب حیات فکری و سیاسی ائمه شیعه هم آمده است. در این مقاله، سهم شیعه در عرصه‌های مختلف تاریخ نگاری از قبیل: سیره، قصص انبیا، دلایل، کلامی - تاریخی، حدیثی - تاریخی، رجالی - تاریخی، دوازده امام و تواریخ محلی بررسی شده است. از نکات قابل توجه در این مقاله آن است که معتقد است؛ برای شیعیان، ثبت تاریخ قیام‌ها و جنبش‌های شیعی، گاه از سیره نبوی هم مهم‌تر بوده است. چون در هر حال سیره، نگارش می‌یافت؛ اما قیام‌ها از بین رفته یا تحریف می‌شدند. نکته دیگر این که تاریخ خلفا توجه شیعیان را جلب نمی‌کرد. چون شیعه پیوندی میان تاریخ خود و آنان نمی‌دید.

- **سهم و نقش مورخان شیعه در تاریخ نگاری اسلامی:** گفتاری از فاطمه جان احمدی در کتاب

دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، به کوشش حسن حضرتی چاپ شده است. وی مورخان شیعه تا سده چهارم هجری را ذیل موضوعات تاریخی، سیره، تواریخ عمومی، فتن و ملاحم، فتوح و مقاتل آورده و سه نتیجه گرفته است؛

- 1- شیعیان در تاریخ نقش به‌سزایی داشته‌اند اما میان مورخان اسلامی تمایزی نمی‌توان قایل شد.
- 2- مورخان شیعه نقش مهمی در پدیداری برخی سبک‌های تاریخ نگاری مانند مناقب، مثالب و مقتل نگاری داشتند که این گونه‌ها رسالت بازگو کردن مظلومیت شیعه و ائمه را بر عهده داشته‌اند.
- 3- شیعیان در تدوین تاریخ، نگهداری احادیث نبوی، روایات امامان و نیز تفسیر قرآن و دیگر علوم مشابه سرآمد بودند؛ ولی گاه فشار حکومت‌ها بر مورخان شیعه، آنان را مجبور به رانده شدن به سمت رشته‌هایی چون فقه و کلام می‌کرد. همین امر عامل اصلی رشد و گسترش فقه شیعه شده است.

- **تاریخ نگاری شیعیان در سده‌های نخستین:** منصور داداش نژاد. این مقاله در شماره 10 مجله "نامه تاریخ پژوهان"⁷ به چاپ رسیده است. وی نوشته خود را بر اساس سه منبع **الفهرست الندیم**، **الفهرست شیخ طوسی** و **رجال نجاشی** تدوین کرده و نکات قابل استفاده‌ای دارد. دقت در نام کتاب‌های تاریخی و آمارهای متعدد از شمار آثار تاریخی، ذیل برخی عناوین، از نقاط قوت مقاله است. اختصاص نیمی از حجم مقاله به عبدالعزیز جلودی و آثار او و همچنین عدم تفکیک شیعیان امامیه از غیر امامیه نیز از کاستی‌های آن به شمار می‌رود. ضمن این که ذیل عنوان "اصطلاحات تاریخ نگاری"، توقع بود که تعریفی از این واژه‌ها ارائه شود ولی به کاربرد آن‌ها در نام آثار پرداخته شده است.

- **تاریخ نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی:** مقاله‌ای از نرگس مجیدی نسب می‌باشد و در شماره 16 فصلنامه "نامه تاریخ پژوهان" چاپ شده است. این مقاله تنها بر اساس **رجال نجاشی** تدوین شده و پس از معرفی شخصیت نجاشی و کتاب او، انواع تاریخ نگاری شیعه در آن را برشمرده و سپس ذیل هر عنوان، آثار مربوطه را آورده و آماري از هر کدام نیز به دست داده و مجموعاً در حدود 680 کتاب تاریخی را بر شمرده است. وی با این که کوشیده آماري تفکیک شده از آثار تاریخی شیعه ارائه دهد، اما دچار اشتباهاتی در ثبت نام مورخان، تاریخی قلمداد کردن آثار غیر تاریخی و

⁷ - این شماره ویژه تاریخ نگاری تشیع است.

شیعه پنداشتن افراد غیر شیعه شده است. در کل او نیز اصل را بر ازدیاد جمعیت شیعه گذاشته و آمار غیر واقعی ارائه کرده است.

- تاریخ نگاری شیعیان: محمد حسین مشایخ فریدنی. او بخشی از مقاله "تشیع" خود را که در صفحه

382 جلد چهارم دائرة المعارف تشیع به چاپ رسیده به تاریخ نگاری شیعه اختصاص داده و همان

شیوه الذریعه را پیش گرفته با این تمایز که کوشیده نقش ایرانیان را برجسته نماید.

البته حجم پیشینه بسیار فراتر از این موارد است. مثلاً مقالاتی درباره مناقب نگاری، طبقات نگاری

و مقتل نگاری شیعیان در مجلات علمی همانند تاریخ اسلام، تاریخ در آینه پژوهش و علوم حدیث نگاشته

شده است.

فصل یکم: کلیات

فصل یکم: کلیات

بنیان هر زبانی بر لغات و کلمات خود استوار است و هر کلمه‌ای معنا یا مفاهیم ویژه‌ای دارد که گاه همین مفاهیم باعث شیوع و شهرت آن واژه می‌شوند. گستره کارکرد واژه‌ها از محدوده روابط بینابینی و اجتماعی فراتر بوده و در بسیاری موارد، واژه‌ها به عنوان ابزاری قدرتمند، برای انتقال مفاهیم مثبت و منفی به کار می‌روند به گونه‌ای که گاه فهم يك لغت مصطلح نیازمند تبیین و توضیح فراوان است. در حوزه دین و اندیشه، کارکرد واژه‌ها و اصطلاحات توسعه بیشتری دارد و غالباً مفاهیم از طریق همین اصطلاحات بیان و منتقل می‌گردند و هر اصطلاحی برای بیان هویت و ماهیت قوم، گروه یا اشخاص به کار می‌رود. در تاریخ اسلام با انبوهی از این واژه‌ها و اصطلاحات از قبیل: امت، ملت، نحل، فرقه، شیعه، سنی، اعتزال، جبر و اختیار مواجهیم. این نوشتار نیز همانند همه نوشته‌ها، به مفاهیم و اصطلاحات خاص خود متکی است و برای فهم و تبیین درست پژوهش، ناچار است تعریف خود را از این واژه‌ها روشن سازد تا بتواند بر اساس آن به تحلیل بپردازد. به تناسب موضوع، مفاهیم اصلی و کاربردی این نوشته اصطلاحات شیعه، تشیع، رفض و رافضه است که از صدر اسلام در زبان مسلمانان و منابع اسلامی متداول بوده و هم با مدح و تمجید همراه گشته و هم با طعن و ذم آمده‌اند و در ساماندهی و نتیجه‌گیری آن نقش بنیادی دارند. از این رو بایسته است برداشت دانشمندان مسلمان از این واژه‌ها روشن شود. بنابر این در ابتدا به بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها می‌پردازیم. بدیهی است به خاطر محدوده موضوع از بررسی دیگر مفاهیمی که چندان کمکی به فهم موضوع نمی‌کنند، خودداری می‌شود.

گفتار یکم: مفهوم شناسی

الف: شیعه

واژه شیعه مفرد و جمع آن شِیع و اَشیاع به معنای دوست داشتن، پیروی کردن و اطاعت بردن است. شیعه هم به یک فرد، هم گروه و هم مرد و زن اطلاق می شود.⁸ از این رو شیعه یک فرد یعنی پیروان و یاران او⁹ که در اثر محبت و علاقه [چه مادی و چه معنوی]، به او تمایل پیدا کرده‌اند.¹⁰ همچنین گفته شده است هر گروهی که بر سر کاری اتفاق نظر داشته باشند یا برای انجام کاری گرد هم آیند، به آنان شیعه اطلاق می‌گردد.¹¹

واژه شیعه اگر چه مفهومی عام به معنای یاران و پیروان، چه مثبت و چه منفی است که حتی به هواداران عثمان و معاویه هم اطلاق می‌شده است؛¹² اما با گذشت زمان این عنوان به صورت اسم خاص بر همه کسانی که نسبت به علی علیه السلام و خاندانش "محبت شدید" داشتند و یا "ولایت" آنان را پذیرفتند، اطلاق گردیده است.¹³ بنابراین شیعه عنوانی است که علاوه بر امامیه یعنی معتقدان به دوازده امام، گروه‌ها و فرقه‌هایی چون: کیسانیه، زیدیه، اسماعیلیه، واقفیه و غیره را با وجود اختلاف در مذهب و تفاوت در آراء، در بر می‌گیرد.¹⁴ اما شیعه مورد نظر این پژوهش همان امامیه می‌باشد.

ب: امامیه

⁸ - ابن اثیر جزیری، النهایة فی غریب الحدیث، ج 2، ص 519 و 520؛ فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج 3، ص 47.

⁹ - جوهری، الصحاح، ج 3، ص 1240؛ ابن منظور، لسان العرب، ج 8، ص 188.

¹⁰ - ابوهلال عسکری، الفروق اللغویه، ص 307.

¹¹ - ابن منظور، همان، ج 8، ص 188.

¹² - نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، ص 510؛ طبرانی، مسند الشامیین، ص 129؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج 22، ص 167.

¹³ - ابن اثیر جزیری، همان؛ فیروزآبادی، همان، ج 3، ص 47؛ مغربی، شرح الأخبار، ج 1، ص 366؛ ابوالبقاء کفوی، الکلیات، ص 540.

ابن خلدون نیز می‌گوید: شیعه به معنای یاران و پیروان است که در عرف فقها و متکلمان چه در گذشته و چه اکنون بر پیروان علی و فرزندانش علیهم السلام اطلاق می‌شود؛ تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 246.

¹⁴ - ابوحاتم احمد بن حاتم رازی، کتاب الزینة، ج 3، ص 259.

به اصلی‌ترین و عمده‌ترین شاخه شیعه، امامیه و به تعبیر کامل‌تر، اثنا عشریه گفته می‌شود. علت نام‌گذاری‌شان به "امامیه"، عقیده به امامت علی‌علیه‌السلام و فرزندان‌ش علیهم‌السلام می‌باشد. نیز معتقدند زمین هیچ‌گاه خالی از امام نخواهد بود؛ از این رو پس از حسن بن علی [عسکری] علیهما‌السلام، منتظر ظهور فرزندش هستند.¹⁵ اثنا عشریه نیز از آن رو نامیده می‌شوند که معتقدند علی‌علیه‌السلام و یازده تن از فرزندان‌ش یکی پس از دیگری امامت امت را پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر عهده دارند.

در برخی منابع، بعضی از باورهای امامیه با سایر فرقه‌های شیعه در هم آمیخته است.¹⁶

ج: رفض

رفض در لغت به معنای ترک کردن، جدا شدن و کنار گذاشتن چیزی یا کسی می‌باشد؛¹⁷ اما در معنای مصطلح آن، اقوال ضد و نقیض فراوان بیان شده و چون درک این واژه در کنار اصطلاح شیعه قابل فهم است، این دو با هم بررسی می‌شوند.

مجموع تعبیرهای اهل سنت از شیعه، رفض و مشتقات آن‌ها در قرن‌های اولیه اسلامی را می‌توان در چند گزینه جمع بندی کرد:

- 1- شیعه: به کسی اطلاق می‌شود که هر چهار خلیفه نخست را بپذیرد ولی علی‌علیه‌السلام را بر عثمان مقدم دارد¹⁸ یا با دشمنان آن حضرت همانند معاویه دشمنی نماید.¹⁹ از این نوع تشیع به "بدعت صغرا" نیز تعبیر شده که روایاتشان قابل قبول است.²⁰
- 2- رافضی: به کسانی گفته می‌شود که شیخین را رفض کرده و درباره علی‌علیه‌السلام غلو نمایند. البته

¹⁵ - سمعانی، الأنساب، ج 1، ص 206 - 208.

¹⁶ - پیشین، ج 4، ص 392 و ج 5، ص 218 و 450؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 32، ص 92؛ ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج 5، ص 415 و ج 7، ص 206.

¹⁷ - جوهری، الصحاح، ج 3، ص 1078؛ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ص 422.

¹⁸ - ابن معین، تاریخ ابن معین، ج 1، ص 338 و 339؛ ابن عبدربه، احمد بن محمد اندلسی، العقد الفرید، ج 2، ص 245؛ ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج 16، ص 457 و 458؛ ابن حجر، هدی الساری، ص 460.

¹⁹ - ذهبی، تذکره الحفاظ، ج 3، ص 1045؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج 5، ص 233.

²⁰ - ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 5.

غلو در نگاه آنان، مقدم شمردن امیرمؤمنان علیه السلام بر شیخین می باشد. بنابراین به رافضی، "شیعه غالی" هم اطلاق می کنند.²¹

3- شیعی جلد: اصطلاحاً به کسی گفته می شود که علی علیه السلام را از شیخین افضل بداند²² و به عثمان دشنام دهد.²³

4- رافضی مقیت: کسی است که در عین پذیرش امامت شیخین با آنان دشمنی نماید.²⁴

5- رافضی خبیث: خبیث در لغت به معنای فاسد است ولی این اصطلاح، کسانی را شامل می شود که به هر سه خلیفه دشنام دهند. واژه "ناصبی" در مقابل این اصطلاح قرار دارد که به امیرمؤمنان دشنام می دهد. اما اگر آن حضرت را کافر بشمارد، خارجی است.²⁵

6- رافضی غالی: به کسی گفته می شود که خلافت شیخین را هم مردود دانسته و به آنان نیز دشنام دهد.²⁶ ذهبی این رتبه را "بدعت کبرا" می نامد و معتقد است هیچ روایتی را از اینان نباید پذیرفت.²⁷ بر پایه این منابع، علاوه بر عقاید غلات روافض، عقیده به رجعت هم اگر باشد، شدیدترین نوع غلو شناخته می شود.²⁸

این اصطلاحات با گذشت زمان تغییر مفهوم دادند و اصطلاح شیعه به طور مطلق، به کسانی گفته شد که در گذشته رافضی غالی نامیده می شدند. در سده های نخستین و عرف آنان شیعه غالی کسی بود که تنها به عثمان، زبیر، طلحه، معاویه و گروهی که با علی بن ابی طالب علیه السلام جنگیدند، انتقاد داشته و دشنام می دادند اما در دوره های بعد و عصر ذهبی (قرن هشتم) غالی به کسی گفته می شد که آنان را کافر دانسته و از شیخین هم بیزار می جستند.²⁹ همچنین شیعه در قرون اولیه کسی بود که تنها به تقدم علی علیه السلام بر عثمان اکتفا می کرد؛ ولی در سده هشتم، با قطع نظر از این که رافضی یا غالی خوانده

21 - ابن عبدربه، پیشین؛ ابن حجر، هدی الساری، پیشین.

22 - ذهبی، سیر اعلام النبلاء، پیشین.

23 - پیشین، ج 7، ص 369 و 370.

24 - پیشین، ج 16، ص 458.

25 - پیشین، ج 7، ص 369 و 370.

26 - پیشین، ج 16، ص 458؛ ابن حجر، هدی الساری، پیشین.

27 - ذهبی، میزان الاعتدال، ج 1، ص 5.

28 - ابن حجر، هدی الساری، پیشین.

29 - ذهبی، پیشین.

شود، صحابه حتی شیخین را تکفیر کرده و دشنام می‌داد.³⁰ به تعبیر دیگر آن کسی که در سده‌های نخستین شیعه شناخته می‌شد، اکنون دیگر در تعریف شیعه نمی‌گنجد و شیعه قرون میانی به بعد نیز از نگاه اهل سنت قرن‌های پیش از آن، شیعه نبودند بلکه قید غالی یا رافضی داشتند.

د: تشیع کوفی:

از مجموع اقوال و عقاید موجود در منابع اسلامی درباره خلفای نخستین که اجمال آن‌ها گذشت، می‌توان به جمع بندی‌های نویی دست یافت. از این رو برخی از پژوهش‌گران تاریخ، مسأله تشیع عراقی که از آن به تشیع سیاسی هم یاد می‌شود را مطرح کرده‌اند تا راه تحلیل جامعه اسلامی در سده‌های نخستین اسلامی را هموارتر نمایند. بنا به گفته این نظریه:

"مفهوم تشیع در قرون نخستین، اعم از تشیعی بوده که اکنون رایج است. آن چه اکنون شیعه گفته می‌شود، در اصطلاح کهن عثمانیان، از آن تعبیر به رفض شده است. در آن دوره، شیعه در کاربرد عمومی‌اش به کسانی گفته می‌شد که امام علی علیه‌السلام را مقدم بر عثمان می‌داشتند. افزون بر آن، کسانی که آن حضرت را بر سایر خلفا مقدم داشته و یا اصولاً به امامت آن حضرت و اولاد ایشان اعتقاد داشتند، شیعه خوانده می‌شدند. شیعه به معنای متشیع کسی بود که در مقام مقایسه میان خلفا، اعتبار و اعتنای بیش‌تری به امیر مؤمنان علیه‌السلام داشت، این در حالی است که رافضی به کسی گفته می‌شد که خلافت شیخین را انکار کرده و امامت امام علی علیه‌السلام را به عنوان امری منصوص از طرف خدا باور داشت. معنای عام شیعه را باید به عنوان تشیع عراقی نام‌گذاری کرد که در قالب هیچ‌کدام از فرق شیعه و حتی معتزله نمی‌گنجد."³¹

با این که کلیت این نظریه قابل پذیرش است اما کاستی‌هایی دارد؛ مبنی بر این که اگر چه برتر دانستن علی علیه‌السلام از عثمان، در بیش‌تر موارد نشانه تشیع بود اما اگر کسی امام را از شیخین هم برتر

³⁰ - همو، سیر اعلام النبلاء، ج 5، ص 374.

³¹ - جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج 1، ص 22 - 24.

دانسته و نیز عقیده به امامت علی علیه السلام و اولاد ایشان داشت، رافضی خوانده می شد. دیگر این که تشیع عراقی بر محوریت کوفه استوار بود که عموم مردم و دانشمندان آن اعم از شیعه و سنی، علی علیه السلام را بر عثمان مقدم می داشتند.³² مثلاً وقتی درباره مذهب ابوغسان مالک بن اسماعیل نهی در گذشته 219 ق تردید شده و از بخاری (محمد بن اسماعیل جعفی در گذشته 256 ق) درباره تشیع وی سوال شد، پاسخ داد او نیز همانند عموم محدثان اهل سنت کوفه مثل ابونعیم فضل بن دکین (130 - 218 ق) و عبیدالله بن موسی عبسی (م 213 ق)، مذهب اهل کوفه را دارد.³³ یعنی علی علیه السلام را بر عثمان مقدم می دارد.³⁴ احمد بن محمد بن حنبل به نقل از پدرش می گوید که تمام اهل کوفه به جز طلحة بن مصرف (طلحة بن معروف بن عمرو همدانی متوفای 112 ق) و عبدالله بن ادریس، علی علیه السلام را بر عثمان برتری می دهند.³⁵ ذهبی هم عقیده دارد که کوفیان همگی متشیع بودند و از وجود افراد انگشت شماری چون ابوسلمه خالد بن سلمه بن عاص بن هشام بن مغیره مخزومی (م 132 ق) که اهل کوفه اما ناصبی بود، ابراز شگفتی می کند.³⁶ بنابر این درست تر آن است که چنین تشیعی را تشیع کوفی بنامیم نه تشیع عراقی. چرا که عراق شامل بصره، واسط و بغداد هم می شود که در آن ها غلبه با تسنن و عثمانی ها بود.³⁷

³² - طبرانی، المعجم الاوسط، ج 7، ص 208؛ شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمان، مقدمه ابن الصلاح، ص 178. از همین رو است که گویند محمد بن عبدالله عباسی، به داعیان سفارش می کرد که خراسان را مرکز فعالیت های خود قرار دهند چرا که مناطق دیگر هرکدام طرفدار فرد یا فرقه ای هستند از جمله کوفه که مردمانش شیعه علی علیه السلام معرفی شده اند؛ أخبارالدولة العباسیه، ص 206؛ مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ص 293.

³³ - ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 10، ص 432.

³⁴ - ذهبی می گوید: کوفی المذهب یعنی همان تشیع؛ میزان الاعتدال، ج 1، ص 641.

³⁵ - نکته قابل توجه این است که پدرش محبت علی علیه السلام را به معنای برتری دادن آن حضرت بر عثمان تفسیر می کند؛ ابن حنبل، العلل، ج 2، ص 535.

³⁶ - ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 5، ص 374. بی تردید این سخنان تا حدی گزافه گویی و از باب مبالغه است چرا که بر پایه داده های تاریخی، گروه ها و افراد زیادی در دوره های مختلف، از مردمان کوفه از مخالفین و دشمنان امام علی علیه السلام بودند تا آن جا ایشان را سب می کردند؛ برای نمونه رجوع شود به: شرح الأخبار، ج 1، ص 167 و 168؛ المسترشد، ص 207 به بعد؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 103.

³⁷ - برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه، دفتر اول، ص 65 - 67 و فرمانیان، مهدی، مقاله "عثمانیه و اصحاب حدیث قرون نخستین تا ظهور احمد بن حنبل"، فصلنامه هفت آسمان، شماره 39، ص 143 - 181.

ه: تشیع اعتقادی:

برای روشن تر شدن مطلب ناگزیریم در کنار تشیع عراقی، نگاهی به مفهوم تشیع اعتقادی داشته باشیم.

تشیع در لغت به معنای تبعیت خالصانه و ولایت مدارانه بر پایه دین است³⁸ و شیعه در مفهوم خاص آن به کسانی اطلاق می شود که به شکلی ویژه هوادار علی علیه السلام شدند و قایل به امامت و خلافت بلافصل او با وصیت و نص جلی یا خفی از جانب خدا و رسولش هستند. نیز عقیده دارند که امام، عالم ترین فرد زمان بوده و واجب است از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره معصوم باشد و نیز امامت را رکنی از ارکان دین می دانند که بر نبی اعظم صلی الله علیه و آله جایز نیست از انتخاب امام پس از خود غفلت ورزیده و یا تعیین آن را به عموم تفویض نماید.³⁹ علاوه بر آن عقیده دارند که امامت و خلافت از اولاد علی علیه السلام خارج نمی شود و اگر خارج شود یا با ظلم است یا تقیه از سوی آنان.⁴⁰

38 - شیعی، کامل مصطفی، الصلوة بین التصوف و التشیع، ص 19.

39 - سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص 183؛ خواجه نصیرالدین طوسی، رساله امامت، ص 13 - 25؛ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، کتاب الالفین، ص 45 - 67؛ همو، رساله سعديه، ص 137 - 142؛ میلانی، الامامه، ص 43 المرصد الرابع. هم چنین بنگرید: ابن عبری، غریغوریوس ملطی، تاریخ مختصر الدول، ص 97.

40 - شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، ج 1، ص 131؛ قلقشندی، صبح الاعشی، ج 13، ص 229؛ جابلقی، سید علی اصغر، طرائف المقال، ج 2، ص 231. زیدیه و در مواردی کیسانیه چنین عقیده ای ندارند.

گفتار دوم: پیدایش شیعه

پیدایش شیعه اگر چه از مباحث مورد نظر این پژوهش نیست اما از آن جهت که در مفهوم شناسی شیعه به کار می‌آید، مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد. این بحث نیز از مسایلی است که هم در بین دانشمندان شیعه و هم سنی، اجماعی وجود ندارد و نظرات گوناگونی از سوی فرقه شناسان و سایر دانشمندان مسلمان و حتی مستشرقان ارایه شده است.⁴¹ از مجموع نظرات موجود آن چه قطعی است آن که واژه شیعه، مفهومی ثابت و یکسان در همه دوره‌ها نبوده و از معنای پیرو و طرفدار تا تبدیل شدن به یک عنوان مشخص برای گروهی خاص آن هم در مقابل اصطلاح اهل سنت یا جماعت، نوسان داشته است. می‌دانیم که یاران و پیروان علی علیه السلام از سوی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها شیعه نام گرفته و به بهشت بشارت داده شده یا با تعبیراتی ستایش شده‌اند.⁴² جالبتر آن که در برخی روایات شیعه و سنی، شیعیان پیامبر، امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام یکی تلقی گردیده‌اند. احادیث متعدد و با اسناد و عبارات‌های متفاوتی از قول پیامبر ثبت شده است که برای نمونه چند روایت ذکر می‌شود؛

- 1- "قال علي (ع): شكوت الي رسول الله (ص) حسد بني امية والناس اياي. فقال: أما ترضي يا علي انك أخي و وزيری و اول أربعة يدخلون الجنة أنا و أنت و الحسن والحسين و نريتنا خلف ظهورنا و أزواجنا خلف نريتنا و شيعتنا عن إيماننا و عن شمائلنا"،⁴³
- 2- "عبدالرحمان بن عوف يقول: خذوا مني حديثا قبل أن تشاب الأحدث بالباطيل. سمعت رسول الله (ص) يقول: أنا الشجرة و فاطمة فرعها و علي لقاحها و حسن و حسين ثمرها و شيعتنا ورقها و

⁴¹ - امين، اعيان الشيعة، ج 1، ص 18 به بعد.

⁴² - در منابع شیعه و سنی احادیث فراوان و با عبارات گوناگون آمده است. برای نمونه رجوع شود به: صدوق، الامالی، ص 655؛ مغربی، شرح الأخبار، ج 2، ص 396؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج 1، ص 319؛ سیوطی، الدر المنثور، ج 6، ص 379. فراتر از آن ابوطالب و علی علیه السلام، نخستین شیعیان و شیعه پیامبر معرفی شده‌اند؛ ابن حاتم، الدر النظیم، ص 219؛ حر عاملی، الجواهر السنية، ص 219.

⁴³ - کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امیرالمؤمنین، ج 1، ص 332؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج 1، ص 319 و 320 و ج 3 ص 41 با حذف بخش اول که دال بر خلافت حضرت است؛ با کمی تفاوت در عبارت، صدوق، الخصال، ص 254؛ باعونی، جواهر المطالب، ج 1، ص 229 به نقل از مناقب احمد حنبل. در برخی منابع امام علی "رابع اربعة" خوانده شده که به یقین تصحیف است چون بلافاصله پیامبر ایشان را نفر دوم پس از خود قرار می‌دهد نه نفر چهارم پس از حسین علیهما السلام. بنگرید: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 16، ص 22؛ طوسی، الامالی، ص 332؛ ابن بطریق، خصائص الوحي المبين، ص 111؛ همو العمدة، ص 50.

اصل الشجرة في جنة عدن و سائر ذلك في سائر الجنه"، 44

3- "لما أتى رسول الله (ص) البيت، وقف ثم قال: اللهم هذا مدخل قد دخله من كان قبلي من الانبياء

فسألوك وأنا أسألك لي و لاهل بيتي و شيعتنا ...". 45

با وجود همه این روایات و نقل‌ها، این بدان معنا نیست که لفظ شیعه به پیروان علی علیه السلام اختصاص یافته باشد بلکه تا مدت‌ها پس از آن، به عموم هواداران افراد و گروه‌ها، اطلاق می‌شد. کما این که در جریان جنگ صفین و در پیمان‌نامه حکمیت، طرفداران هر دو جناح اعم از حاضرین و غایبین، شیعه نامیده شده‌اند. 46 در واقع در دهه‌های نخستین قرن اول، واژه شیعه در همان معنای لغوی‌اش به کار می‌رفته و لی در اثر کاربرد زیاد این لفظ برای هواداران علی بن ابی‌طالب که به نوعی نقش جریان مخالف تفکر غالب را پیدا کرده بودند، عنوان شیعه به این گروه اختصاص یافته است. در این باره نظرات گوناگونی از سوی دانشمندان فرقه شناس ابراز شده است؛ از میان فرقه نویسان نخستین شیعی، نوبختی و سعد اشعری که تا حدی به تفصیل در این باره سخن گفته و سیر تجزیه جامعه اسلامی به گروه‌های مختلف را بیان کرده‌اند، می‌گویند: همه امت اسلام به چهار فرقه اصلی: شیعه، مرجئه، معتزله و خوارج تقسیم شده و تمام گروه‌های دیگر از این‌ها منشعب می‌شوند. نخستین فرقه، شیعیان علی بن ابی‌طالب علیه السلام هستند که از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن به این نام شهرت داشتند و معتقد بودند علی علیه السلام واجب اطاعه و برگزیده خدا و رسولش است و معصوم و برترین فرد در همه زمینه‌ها بود. 47 ناشی اکبر معتزلی (م 293ق)، در باب انشقاق مسلمانان می‌گوید: امت اسلامی پس از دوره خلافت علی علیه السلام به هفت گروه تقسیم شدند: شیعه، مرجئه، حشویه، عثمانیه، حلیسیه، معتزله و خوارج. وی در نهایت عثمانیه را به مرجئه و حلیسیه را به حشویه ملحق ساخته و می‌گوید تمامی فرقه‌های دیگر اسلامی به یکی از همین پنج گروه اصلی باز می‌گردند. 48 مطمئناً وی عقیده ندارد که منشأ پیدایش این فرق پس از خلافت علی علیه السلام

44 - ابن‌عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 14، ص 168؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 407 و 408.

45 - کوفی، پیشین، ج 2، ص 555. برای آگاهی از برخی احادیث دیگر مراجعه کنید به: کلینی، الکافی، ج 2، ص 46؛ صدوق، فضائل الشیعه، ص 10 و 11؛ مفید، الامالی، ص 169؛ همو، الارشاد، ج 1، ص 42؛ قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج 2، ص 475؛ حنفی قندوزی، ینابیع الموده، ج 2، ص 451.

46 - منقری، نصر بن مذاحم، وقعه صفین، ص 510.

47 - نوبختی، فرق الشیعه، ص 17 - 20؛ اشعری، المقالات و الفرق، ص 70 - 73.

48 - ناشی اکبر، عبدالله بن محمد انباری، فرقه‌های اسلامی و مسأله امامت، ص 40.

بوده است بلکه شمار آن‌ها را در این زمان به این پنج دسته می‌رساند. ابوحاتم رازی هم می‌گوید اگر چه تشیع از زمان پیامبر وجود داشت اما در جریان جنگ صفین عنوان شیعه بین موالی و پیروان آن حضرت رواج یافت و هر کس که در سپاه امام علی علیه‌السلام بود شیعه و سپاهیان و هواداران معاویه، احزاب نامیده شدند. از آن پس و به تدریج موافقان اهل بیت علیهم‌السلام شیعه و مخالفان آن بزرگواران سنی شهرت یافتند و چنان بود که تا نیمه نخست سده چهارم، هر کس قایل به تفضیل و برتری امام علی علیه‌السلام بود، به عنوان شیعه شناخته می‌شد.⁴⁹

نکته‌ای که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد، پیدایش شیعه به عنوان یک هویت و تفکر مستقل می‌باشد. دانشمندان مسلمان غالباً در بررسی تشیع، بین منشأ پیدایش آن و مکتب فکری - فقهی‌اش، تمایز قایل نشده‌اند. البته مخالفین شیعه چه در گذشته و چه اکنون، برای تضعیف این فرقه مدام تلاش می‌کنند تا پیدایش آن را به دوره‌های متأخر از صدر اسلام کشانند و آن را برساخته افراد و اشخاص موهوم و یا غیر موثقی همچون ابن سبأ وانمود سازند. در مقابل، شیعیان نیز برای اثبات حقانیت و اصالت خود به روایات نبوی استناد کرده و تلاش می‌کنند غیر شیعه را به انحراف و جدایی از راه درست و خلافت مشروع متهم نمایند. اگر بخواهیم فارغ از تعصبات غیر منطقی و رقابت‌های سیاسی، فرآیند رشد و توسعه تشیع را پی‌گیری نماییم، نمی‌توان بنیان تفکرات شیعه در عصر نبوی را انکار کرد چرا که فراوانی سخنان آن حضرت در منابع اسلامی که پیش‌تر به برخی از آن‌ها اشاره شد و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای پیروان امام علی، فضایی را برشمرده و شیعیان را شیعیان، دوستان و حزب خود خوانده و دشمنانش را دشمن خود و خدا نامیده، گواه این مدعا است.⁵⁰ از همین رو است که بیش‌تر دانشمندان شیعه بر این باورند که ظهور شیعه به معنای خاص آن در عصر نبوی بوده⁵¹ و این نام، لقب گروهی از صحابه است که در زمان

49. - ابوحاتم رازی، کتاب الزینه، ج 3، ص 259 - 261.

⁵⁰ - برای آگاهی بیش‌تر رجوع شود به: ابن ابی عاصم، کتاب السنه، ص 461 طبرانی، المعجم الاوسط، ج 6، ص 354؛ حاکم، المستدرک، ج 3، ص 128؛ ثعلبی، التفسیر، ج 9، ص 67؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 12، ص 353؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 42، ص 334 و 335؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج 10، ص 21؛ ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، ج 4، ص 106؛ ابن صباغ، الفصول المهمه، ص 576 و 1166؛ محلی، الحدائق الوردیه، ج 1، ص 40؛ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج 1، ص 9 و ...

- اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، ص 70؛ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص 17؛ مظفر، محمد حسین، تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر حجتی، ص 41 و 42؛ طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، ص 25 - 28؛ کاشف الغطاء، محمد

رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علی علیه السلام را دوست داشتند و به عنوان شیعه آن جناب شناخته می شدند. سلمان، ابوذر، مقداد و عمار چهارتنی بودند که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله لقب شیعه داشتند و از یاوران علی علیه السلام به شمار می آمدند⁵² و پیامبر در شأن آنان فرمود که بهشت مشتاق دیدارشان است.⁵³ اما شکل گیری اصول و چارچوب های تشیع به عنوان یک مذهب و مکتب فقهی را باید در سال های پس از رحلت پیامبر جست و جو کرد. با همین نگاه است که برخی از پژوهشگران، موضع گیری امام علی علیه السلام در شورای شش نفره عمر که حاضر نشد رویه شیخین را ادامه دهد و فرمود تنها بر اساس قرآن و سنت و اجتهاد خود عمل خواهد کرد را، اساس اختلاف بین نظریه تشیع و تسنن دانسته اند که فقهای شیعه با استناد به همین رفتار علی بن ابی طالب، راه و روش سه خلیفه نخست را مردود شمرده اند. در واقع این حرکت امام، اعلام ناسازگاری عقیده ایشان با عمل کرد خلفای پیشین شناسایی گردیده و مهم ترین و قدیمی ترین دیدگاه تلقی شده که سرانجام موجبات پیدایش دو مکتب فقهی تشیع و تسنن را فراهم آورده است.⁵⁴

حسین، اصل الشیعة و اصولها، ص 184؛ مغنیه، محمد جواد، الشیعة فی المیزان، ص 430 و 431؛ خلیفات، مروان، و رکبت السفینه، ص 599؛ وائلی، احمد، هویه التشیع، ص 29 - 31.

⁵² - نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص 17 - 20؛ اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، ص 71؛ کردعلی، خطط الشام، ج 6، ص 245 البته شمار صحابه ای که هوادار امام علی علیه السلام بوده و خلافت را حق ایشان می دانستند بیش تر از اینان بودند. ابوسعید خدری، خیاب بن ارت، جابر بن عبدالله انصاری، زید بن ارقم، حذیفه بن ثابت، ابویوب انصاری، ابوالهثیم بن التیهان، قیس بن سعد بن عباد، خالد بن سعید بن عاص، عثمان بن حنیف، سهل بن حنیف و برخی دیگر نیز می توان نام برد ولی این چهار نفر برجستگی ویژه و دفاعیات قاطعانه از حق حضرت داشتند و تا آخر استوار ماندند. برقی، شمار بیش تری از صحابه پیامبر را از خواص امام ذکر می کند؛ رجال البرقی، ص 33 - 39؛ برخی منابع معاصر، آمار نخستین شیعیان علی علیه السلام از صحابه و تابعین را تا 130 تن هم شمارش کرده اند که تا حدی با مسامحه انجام گرفته است؛ وائلی، هویه التشیع، ص 33.

- ابوحاتم رازی، کتاب الزینه، ج 3، ص 259 - 261؛ الذنیم که در تشیع وی اختلاف است در علت نام گذاری شیعه به این نام می گوید: ⁵³ از هنگامی که طلحه و زبیر با امام علی علیه السلام مخالفت ورزیده و خون خواه عثمان شدند، همه کسانی که در کنار امام قرار گرفته و از ایشان حمایت کردند، شیعه نامیده شدند و خود حضرت پیروانش را شیعه خواند و به چهار طبقه اصفیا، اولیا، شرطة الخمیس و اصحاب تقسیم کرد؛ الفهرست، ص 223.

⁵⁴ - جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ص 92 و 96. برخی از خاور شناسان هم، چنین اظهار نظر کرده اند که تشکل حزبی و تکون عقیدتی شیعه پس از واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام پدیدار شد. بنابراین عقیده، شیعیان پیش از آن در فکر و عقیده، نقطه نظر واحدی نداشتند و مذهب تشیع بر یک رأی سیاسی محض بنیان نهاد شده بود و از نظر فکری و عقیدتی در قلوب و اذهان شیعیان تمرکز

از همین نکته سود جسته و یادآور می‌شوم که مراد از شیعه در این پژوهش، فراتر از تعبیرات برخاسته از تعصبات سیاسی و رقابت‌های فرقه‌ای است که مخالفان شیعه به صرف نقل هر خبری که با خواسته‌های آنان سازگار نبوده، راوی آن را به شیعه‌گری متهم ساخته‌اند. شیعه مورد نظر این نوشته همان تشیع اعتقادی است که اصول و عقاید شناخته شده‌ای دارد و در رفتار خود از چارچوبی مشخص پیروی می‌کند. به عقیده ما، مصداق حقیقی شیعه کسی است که علاوه بر دوستی خاندان پیغمبر،⁵⁵ خلافت و جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را حق شرعی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و یازده تن از فرزندان ایشان یکی پس از دیگری می‌داند که از جانب خدا و رسولش به آنان اعطا شده است. با این توضیح، شمار کسانی که چنین عقیده‌ای داشته و پایدار ماندند، زیاد نبود و به مصداق سخن مشهور "الناس علی دین ملوکهم"، اکثریت مسلمانان تسلیم حاکمان بودند و هر حاکم یا سلسله‌ای که روی کار می‌آمد، روش و منش ویژه‌ای پیش می‌گرفت و به حکم علمای اهل سنت، مردم تابع حکومت و موظف به پیروی از احکام حکومتی بودند. با همین رویکرد است که عمل کرد خلفای نخستین، در کنار قرآن و سنت، مبنای عمل و فقه اهل سنت قرار گرفته است اما در باور شیعیان امامی بر این که حکم خدا تنها از طریق پیامبر و یا کسانی که به انتخاب خدا و رسولش تعیین شده‌اند، اعلام و تبیین می‌شود، هرگز نمی‌توانستند حاکمیت دینی و سیاسی کسانی را بپذیرند که چنین ویژگی‌هایی نداشتند. همین امر سرمنشأ افتراق و جدایی مذهبی و به تبع آن

نیافته بود اما پس از آن مذهب شیعه با خون‌های شهیدان کربلا آمیخته شد و دارای عقیده و تشکل استوار گردید و در قلبها و اذهان رسوخ کرد؛ encyclopaedia of islam vol.iii p.335 item: shia؛ نقل از احمد محمود صبحی، نظریه امامت لدی الشیعة الاثنی عشریه، ص 47

⁵⁵ در باب جایگاه محبت علی و اهل بیت علیهم‌السلام سزاوار گفتن است با آن که بسیاری از مسلمانان که بغضی نسبت به علی علیه‌السلام نداشتند، آن حضرت و خاندان پیغمبر را به خاطر اتساع به شخص اول اسلام دوست داشتند اما در خیلی از موارد، محبت و دوستی، خود از نشانه‌ها و دلایل عقیده‌مندی است. چنان که به روایت بعضی از صحابه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مسلمانان توصیه کرده بود تا پاکی و ناپاکی فرزندان‌شان را با محبت علی علیه‌السلام بیازمایند. با کمی تفاوت در عبارات بنگرید: مفید، الارشاد، ج 1، ص 45؛ سیدمرتضی، رسائل، ج 1، ص 399؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج 1، ص 240؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 449؛ ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج 1، ص 159. به گفته جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری و عبدالله بن صامت، اینان چنین می‌کردند و حب و بغض علی بن ابی‌طالب، معیار شناخت منافقین در عصر پیامبر بود. همان منابع و مغربی، شرح الأخبار، ج 1، ص 153 و 166؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج 1، ص 267؛ باعونی دمشقی، جواهر المطالب، ج 1، ص 251. این روایت در برخی منابع تصحیف شده و به نقل از ابوسعید خدری این گونه آمده است که: ما با نور ایمان‌مان علی علیه‌السلام را دوست می‌داشتیم و هر کس او را دوست داشت، برای ما روشن می‌شد که او هم از ما است؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 110.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

سیاسی شیعه و سنی است که از روز رحلت نبی اکرم شروع شد و به مرور زمان، مرزهای عقیدتی روشن تر و محکم تر گردید.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

گفتار سوم: منازعات بین شیعه و سنی

الف: پیشینه منازعات

بشر از آغاز آفرینش در فکر و اندیشه دچار نزاع و اختلاف بوده و اختلافات مذهبی در همه ادیان و در تمام جوامع، چه به صورت برخوردهای فیزیکی و چه به گونه مجادلات فرهنگی، وجود داشته است. مناظره و جدلهای عقیدتی - سیاسی مسلمانان، سابقه‌ای به درازای اسلام دارد و ردیه نویسی که نوعی ضدیت علیه آرا و عقاید دیگران است، در همه دوره‌ها قرین جوامع متمدنی بوده که با فن نگارش آشنایی داشتند و به موازات جدل‌ها و مناظره‌ها، صدها بلکه هزاران نوشته در رد نظریات علمی، باورهای دینی و عقاید مذهبی پدید آمده‌اند. ردیه نویسی کنشی است که گاه واکنش‌هایی از نوع خود را به دنبال داشته و به مناظره‌ای کتبی میان دو یا چند نفر و یا پیروان عقاید و فرق بدل می‌گشت. اگر چه ردیه نویسی هم بسان مناظره، در اسلام سابقه‌ای طولانی دارد ولی دقیقاً روشن نیست که از چه زمانی شروع شد و آغازگران آن چه کسانی بودند، اما شکی نیست از حدود سده دوم هجری که علم و دانش در میان مسلمانان رواج یافت و بنیادهای فرق و مذاهب شکل گرفت، طرفداران هر مسلک و مرامی در دفاع از هویت عقیدتی خویش و ابطال باورهای دیگران دست به قلم شده و کتاب‌ها نوشتند که غالباً با واژگانی چون: "الرد علی"، "فی رد"، "ابطال"، "نقض"، "نفی"، "قمع"، "ازاله"، "ازاقه"، "ازهاق" و "ارغام" همراه بوده و در منابع کتاب شناسی قابل شناسایی هستند و عمدتاً در باب مباحث فقهی و کلامی نوشته شده‌اند. با گشتی در نام این گونه آثار آن چه به دست می‌آید این است که "قدریه" نخستین گروهی هستند که از سوی مسلمانان مورد هجوم و نقد علمی قرار گرفته‌اند⁵⁶ ولی به مرور همه فرق به نقد کشیده شده و حتی گاه فرقه‌هایی که قرابت مبنایی با هم دارند و یا افرادی درون یک فرقه علیه یکدیگر کتاب نوشته‌اند.

از آن جا که مناقشات شیعه و سنی بر سر مسأله امامت و خلافت و شرایط فرد جانشین پدید آمده است، آن چنان که گذشت، ریشه آن را در عصر نبوی و سقیفه باید جست. بر پایه عقیده شیعه که پیش فرض این نوشته نیز هست، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به رغم تمام نگرانی‌هایی که از انتخاب جانشین

⁵⁶ - برخورد با قدریه، سخت و شدید بوده تا جایی که گزارش شده برخی صحابه، به فرزندانشان وصیت می‌کردند به قایلین به قدر سلام نکنند، بر جنازه آنان نماز نخوانند و از مریض‌های آنان عیادت نکنند؛ عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ص 15؛ و به گفته سیوطی، عقیده به قدر، بلایی بود که بر اهل بصره سیطره یافته بود. طبقات المفسرین، ص 72.

خود داشت،⁵⁷ در حیات خود خلیفه‌اش را برگزید و در طول نبوتش همواره شایستگی‌ها و برتری‌های علی‌علیه‌السلام را گوشزد می‌فرمود و مسلمانان را به دوستی و پیروی از ایشان سفارش می‌کرد. گروهی از صحابه که این رفتارهای نبی خدا را نه امری الهی و از سوی خدا که تصمیم شخص پیغمبر دانسته و با تفکرات جاهلی می‌پنداشتند حضرت بنا دارد خاندان و به ویژه پسر عمویش را بر مسلمانان حاکم گرداند، در سخنان و کردار حضرت تردید می‌کردند.⁵⁸ همین برداشت، اثرات خود را در آخرین روزهای عمر پیامبر آشکار ساخت و در سقیفه بنی‌ساعده، در تقابل با تصمیمات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و خلافت علی بن ابی‌طالب از بنی‌هاشم، خودنمایی کرد.⁵⁹ در این حوادث غالب مسلمانان، به اقتضای طبیعت مردمان و بسان همه رعایایی که انگیزه‌ای برای ورود به نزاع‌ها ندارند، تنها تماشاگر بودند و در نهایت هم به اطاعت از تصمیمات سقیفه گردن نهادند. اما در مقابل، گروهی از صحابه و مسلمانان که انتخاب امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام برای خلافت را امری الهی و منصوص از طرف خدا و پیامبرش برای هدایت جامعه اسلامی پذیرفته بودند، نباید و نمی‌توانستند سقیفه را به رسمیت شناخته و مشروع بدانند. از این رو از همان آغاز، نزاع بر سر امامت مسلمانان بین طرفداران امام علی‌علیه‌السلام و پیروزمندان سقیفه شروع شد. اگر مواردی چون بیعت‌های اجباری و تهاجم به خانه علی و زهرا علیهما‌السلام و پیامد آن رفتار با ابونر و عمار را نادیده انگاریم، این برابری دو جناح، در غالب جدل‌ها و مناظره‌های لفظی و در دوره‌های پسین،

⁵⁷ - برای آگاهی اجمالی از این امر رجوع شود به: نجاشی، رجال النجاشی، ج 1، ص 63؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج 10، ص 378 و 379؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك الأمم و الملوك، ج 4 ص 222 - 224؛ ابن‌عبدربه، العقد الفرید، ج 5، ص 33؛ طوسی، الامالی، ص 59؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج 1، ص 321؛ ابومنصور طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 407 و ج 2، ص 275؛ مغربی، شرح الأخبار، ج 1، ص 167 و ج 2 ص 17؛ هبشی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 134؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 242؛ ابن‌بطریق، خصائص الوحي المبين، ص 72؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج 3، ص 63. نیز مقریزی، النزاع و التخاصم، ص 98؛ خزاز قمی، کفایة الاثر، ص 198 - 200؛ قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ص 159؛ طبری شیعی، دلائل الامامه، ص 124؛ ابن‌طاووس، الطرائف، ص 423.

⁵⁸ - کلینی، الکافی، ج 1، ص 292 - 296؛ سید رضی، خصائص الاثمه، ص 67؛ طبری شیعی، المسترشد، ص 585؛ ابن‌طاووس، الیقین، ص 207 و 230 و 316؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 37 ص 304؛ عبدالعزیز بن یحیی جلودی متوفای 332ق، کتابی اختصاصی در این زمینه به نام "ضعائن فی صدور قوم" داشته است؛ نجاشی، رجال النجاشی، ج 2 ص 55.

⁵⁹ - سید مرتضی، الشافی فی الامامه، ج 2، ص 126 و 127 به نقل از کتاب الانصاف ابن‌قبه رازی؛ طبری، تاریخ الأمم و الملوك الأمم و الملوك، ج 4، ص 222؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج 10، ص 378 و 379. شخص امام هم در جای جای نهج البلاغه به ظلم قریش و غضب خلافت تصریح کرده و از بی یار و یاور بودن شکوه می‌کند از جمله در خطبه‌های 2، 26، 62، 144، 150، 172؛ حکمت 413، 734 و ...

هم به صورت لفظی و هم کتبی برگزار می‌شد. بر این اساس، در این بخش سیر تاریخی این منازعه‌ها را به رغم یکی بودن ماهیت آن‌ها، با دو عنوان مناظره‌ها و ردیه‌ها، بررسی می‌کنیم.

1- مناظره‌ها

مناظره به معنای بحث، نزاع و مجادله دو طرف با هم در حقیقت و ماهیت چیزی است.⁶⁰ جدل و مجادله نیز به همین معنا آمده با این تفاوت که در مجادله، نزاع سخت‌تر و شدیدتر است.⁶¹ مناظره‌ها گاه شفاهی و گاه کتبی برگزار می‌شد. مناظره‌ها در سده‌های اولیه غالباً شفاهی بود اما در دوره‌های پسین، مناظرات کتبی هم رونق گرفت.

1-1. مناظره‌های شفاهی

نخستین مناظره‌ها در همان سقیفه نمودار شد. آن گاه که انصار گرد آمده بودند تا رهبری مسلمانان را به دست گیرند، اندک مهاجرین حضور یافته مخالفت کرده و گفتند که خلیفه باید از قریش باشد. برخی از انصار برای حل مشکل، پیشنهاد دو خلیفه هم‌زمان را دادند ولی مهاجرین زیر بار نرفته و زیرکانه با یکی از خود بیعت کردند. رقابت‌های خزرجیان با اوسیه‌ها هم به کمک آمد و ماجرا به سود یکی از کاندیداهای مهاجر خاتمه یافت. پیش از آن که قضیه به این صورت ختم شود، گفت و گوهای زیادی بین طرفین رخ داد که در منابع ثبت است.⁶² پس از سقیفه، نزاع دو سویه انصار و مهاجرین، با مشخص شدن خلیفه به پایان رسید و به شکل دیگری ادامه یافت در یک سو علی بن ابی‌طالب و طرفدارانش قرار داشتند و در جناح مقابل، ابوبکر و عمر و حامیانشان. خلیفه تازه به حکومت رسیده برای استوار کردن خلافتش، ناگزیر بود مخالفین اصلی که برای تثبیت قدرتش خطرآفرین بودند را به بیعت و تبعیت بکشاند. با این هدف، بیعت علی علیه‌السلام که تنها مدعی خلافت و جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، بسیار مهم و ضروری ارزیابی می‌شد. از این رو همه تلاش‌ها بر گرفتن بیعت از علی علیه‌السلام متمرکز گردید. حضرت در برابر

⁶⁰ - دهخدا، لغتنامه، ج 13، ص 19045.

⁶¹ - همان، ج 5، ص 6632؛ قلعجی، معجم لغة الفقهاء، ص 405.

⁶² - یعقوبی، احمد بن ابی‌واضح، تاریخ، ج 2، ص 25؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج 1، ص 92؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص 5؛

نسائی، السنن الكبرى، ج 5، ص 37؛ بیهقی، السنن الكبرى، ج 8، ص 145؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 6، ص 38.

این فشارها زیر بار نمی‌رفت و با استدلال‌های عقلی، عرفی و شرعی بر حقانیت خود بر امامت مسلمین پافشاری می‌کرد.⁶³

به جز علی علیه‌السلام، حضرت زهرا، امام حسن، امام حسین، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد علیهم‌السلام و نیز سلمان، ابوذر، مقداد، عباس عموی پیامبر، ابن عباس و ده‌ها تن از شاگردان و شیعیان ائمه علیهم‌السلام و در دوره‌های بعد دانشمندان شیعه از قبیل: شیخ صدوق، شیخ مفید، فضل بن شاذان نیشابوری، ابن طاووس و علامه حلی در باب امامت و سایر عقاید شیعه، احتجاجات و مناظره‌هایی داشته‌اند که همه این احتجاجات را می‌توان به گونه‌ی مناظرات معصومان و شیعیان و یا مناظرات در باب امامت، عقاید و احکام، دسته‌بندی کرد. علاوه بر موضوع خلافت و امامت، برخی از موضوعاتی که دست‌مایه مجادله‌ها و مناظره‌های شیعه و سنی بوده و هنوز هم هست عبارت‌اند از: قرآن، فدک، رجعت، تقیه، توسل و شفاعت، سجده بر تربت، ساخت و زیارت قبور، وثاقت صحابه و متعه.⁶⁴

1-2. مناظره‌های مکتوب

همان گونه که گفته شد، برخی مناظره‌ها، به صورت نوشتاری برگزار می‌شده است و ما در این جا نمونه‌هایی از این گونه مناظرات که در قالب ردیه نویسی هم جای می‌گیرند را می‌آوریم؛ ابن‌قبه ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان بن قبه رازی بغدادی، معتزلی شیعه شده و در گذشته پیش از 319ق، علاوه بر کتاب‌های نقض کتاب الاشهاد ابوزید علوی، الرد علی الزیدیه و الرد علی ابی‌علی الجبایی، کتابی به نام "الانصاف" را در باب امامت و در راستای تثبیت و تقویت عقیده شیعه نگاشت. ابوالحسین محمد بن بشر حمدونی سوسنگردی که ابوالعباس نجاشی (م450ق) او را از دانشمندان برجسته و متکلمان شیعه و دارای چند اثر در امامت می‌شمارد، این کتاب را در سفر بلخ به همراه داشته و در بلخ آن را به ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمد کعبی بلخی (م319ق) از متکلمان طراز اول معتزله ارایه کرد. بلخی پس از مطالعه، پاسخی با عنوان "المسترشد" بر آن نگاشت. سوسنگردی پاسخ او را به شهر ری نزد ابن‌قبه آورد و ابن‌قبه با نگارش

⁶³ - الهادی، یحیی بن حسین یمنی، ثبت الامامه، ص 17؛ ابن‌قتیبه، الامامه و السیاسه، ج 1، ص 15 - 18؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج 1، ص 95 و 96؛ امینی، الغدیر، ج 5، ص 371.

⁶⁴ - برای آگاهی از تفصیل این مناظره‌ها رجوع شود به کتاب‌های "مواقف الشیعه" تألیف علی احمدی میانجی، "مع السلفیه" نوشته سید مهدی روحانی، "مناظرات فی الامامه" و "مناظرات فی العقائد و الاحکام" تألیف عبدالله حسن.

"المستثبت" آن را نقض کرد. دوباره ابوالحسین، المستثبت را به بلخ برد. ابوالقاسم کعبی در پاسخ آن "رد المستثبت" را نوشت. اما هنگامی که سوسنگردی به ری برگشت تا پاسخ ابوالقاسم بلخی را به ابوجعفر ابن قبه بدهد، وی در گذشته بود.⁶⁵

قاضی عبدالجبار بن احمد بصری معتزلی (م 415ق)، کتاب "المغنی" را در باب امامت نوشت که در آن شبهه‌ها علیه شیعه را گرد آورده بود. سید مرتضی علی بن حسین علم الهدی موسوی (م 436ق)، "الشافی فی الامامة و ابطال حجج العامه" را در پاسخ آن نوشت و به صورت باب باب و تک تک شبهات آن را نقد کرد. سپس ابوالحسن (ابوالحسین) بصری در رد الشافی کتابی نگاشت و نظرات سید مرتضی را نقد کرد. عنوان کتاب بصری ثبت نشده است. پس از آن ابویعلی حمزة بن عبدالعزیز معروف به سلار دیلمی (م 448 یا 463ق) به سفارش استادش سید مرتضی ردیه‌ای بر کتاب بصری نوشت.⁶⁶

ابن حزم ابومحمد علی بن احمد بن سعید بن حزم ظاهری اندلسی (م 456ق) در کتاب "الفصل فی الملل و الاهواء و النحل"، در باب امامت شیعه، مطالبی گفته که کاظم بن سلمان بن داود بن سلمان بن نوح بن محمد ادیب کعبی اهوازی حلی (مقرن 14) در کتابی با عنوان "الحسم (الجزم) لفصل ابن حزم" پاسخ داده است.⁶⁷

مورد دیگر کتابی است که یکی از علمای اهل سنت به نام شهاب‌الدین تواریخی شافعی رازی از بنی‌مشاط، با عنوان "بعض فضائح الروافض" را برای سلطان محمد بن محمود سلجوقی (حکومت 547 - 554ق) نگاشت. شیخ عبدالجلیل رازی قزوینی از دانشمندان شیعه که وی نیز همچون شهاب‌الدین در میانه سده ششم هجری در ری می‌زیست، ردیه‌ای بر آن نوشت به نام "بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض" که به نام "النقض" مشهور است.⁶⁸

65 - نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی کوفی، ج 2، ص 288 و 289.

66 - آقابزرگ، الذریعه، ج 10، ص 179 و 180 و ج 13، ص 8. کتاب‌های "تلخیص الشافی" شیخ طوسی، "ارتشاف الصافی من سلاف

الشافی" و "صفوة الصافی من رغوۃ الشافی" هر دو اثر سید بهاء‌الدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری سبزواری (زنده در 1130ق)، مختصر الشافی سید مرتضی هستند. الذریعه، ج 4، ص 423 و ج 15، ص 49.

67 - آقابزرگ، پیشین، ج 5، ص 104 و ج 10، ص 177.

68 - ر. ک: قزوینی، عبدالجلیل، کتاب النقض.

نمونه دیگر علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (م726ق) است که بیش‌تر آثارش در دفاع از کیان تشیع و یکی از آن‌ها "منهاج الکرامه (نهج الکرامه/ تاج الکرامه) فی اثبات الامامه" است. علامه حلی این کتاب را در حقانیت شیعه و رد اهل سنت نوشت. چند تن از علمای سنی در رد آن کتاب نوشته‌اند از قبیل: زین‌الدین سرحان بن محمد بن سرحان ملطی مصری شافعی (م788ق) با کتاب "سد الفتیق المظهر و صد الفسیق ابن‌المظهر" و ابن‌تیمیه احمد بن عبدالحلیم حرانی دمشقی، فقیه حنبلی مذهب (661 - 728ق) با کتاب "منهاج السنة النبویه" که در آن در توهین و افتزای به شیعه افراط کرده و حتی اعتراض هم‌کیشان خود را نیز برانگیخته است.⁶⁹ از این روی، دانشمندان شیعه و سنی به مقابله با او برخاسته و در رد و نقض آن کتاب نوشته‌اند؛ از میان عالمان شیعه، سراج‌الدین حسن بن عیسی یمانی لکنهوی مشهور به فداحسین (م1278ق) در کتاب "اکمال المنة فی نقض منهاج السنه"؛ سید مهدی بن صالح موسوی قزوینی معروف به کشوان (م1358ق) با کتاب "منهاج الشریعة فی الرد علی منهاج السنه" (4جلد). سید حسن صدر (م1354ق) با تألیف "البراهین الجلیة فی کفر احمد بن تیمیه" نظرات ابن‌تیمیه را نقض و رد کرده‌اند.⁷⁰ برخی از علمای سنی هم که در رد ابن‌تیمیه قلم زده‌اند عبارت‌اند از: ابوالمعالی محمد بن علی بن عبدالواحد دمشقی شافعی معروف به ابن‌زملکانی، قاضی حلب (667 - 727ق) با تألیف "الدرة المضیة فی الرد علی ابن‌تیمیه"؛⁷¹ تاج‌الدین فاکهانی عمر بن ابی‌الیمین لخمی (م734ق) با نوشتن "التحفة المختاره فی الرد علی منکر الزیاره"؛⁷² قاضی القضاة مالکی نقی‌الدین ابو عبدالله محمد سعیدی مصری اخنایی (م750ق) در کتاب "المقالة المرضیه فی الرد علی من ینکر زیارة المحمدیه" که در ضمن کتاب "البراهین الساطعة فی رد بعض البدع الشائعة"، سلامه عزامی شافعی (م1379ق) چاپ شده است؛⁷³ ابوالحسن علی بن عبدالکافی بن علی بن تمام خزرگی سبکی (م756ق) با نگارش "الدرة المضیة فی الرد علی ابن‌تیمیه" ⁷⁴ و "شفاء السقام فی زیارة خیر

⁶⁹ - آقابرگ، پیشین، ج 23، ص 172.

⁷⁰ - پیشین، ج 2، ص 283 و ج 23، ص 172.

⁷¹ - اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ج 2، ص 146.

⁷² - التوفیق الربانی، ص 91.

⁷³ - همان.

⁷⁴ - متن این رساله در التوفیق الربانی، ص 97 به بعد آمده است.

الانام؛⁷⁵ ابوبکر محمد بن عبدالمؤمن حصني دمشقي (752 - 829ق) در کتاب "دفع الشبه عن الرسول و الرساله" که مکرها، تزویرها و انحرافات ابن تیمیه را به روشنی بیان داشته است؛⁷⁶ و "التوفيق الرباني في الرد علي ابن تيمية الحراني" نوشته گروهی از دانشمندان سنی.

علامه حلی کتاب دیگری دارد به نام "نهج الحق و كشف الصدق" در توحید، عدل، نبوت و رد برخی باورهای اهل سنت. فضل الله بن روزبهان خنجی (درگذشته سده دهم) در پاسخ علامه، کتاب "ابطال نهج الباطل و اهمال كشف العاطل" را نوشت و قاضی نورالله شوشتری (شهادت 1019ق) با نگارش کتاب "احقاق الحق" به نقض اثر ابن روزبهان پرداخت. همچنین محمد حسن مظفر نجفی (1301 - 1375ق) در رد ابن روزبهان و تکمیل کار قاضی شهید، کتاب "دلایل الصدق في نهج الحق" را تألیف کرد.⁷⁷

مولوی عبدالعزیز بن شاه ولی الله احمد بن عبدالرحیم قارونی دهلوی (1114 - 1176ق)، کتاب "التحفة الاثني عشرية" را در رد شیعه امامیه و در دوازده باب و به زبان فارسی تألیف کرد که گویا به خاطر ترس از نواب نجف خان، حاکم شیعی [لکهنو]، چاپ یکم آن را با نام مستعار غلام حلیم⁷⁸ بن شیخ قطب الدین احمد بن ابی الفیض دهلوی انتشار داد و در چاپ دوم نام واقعی نویسنده آورده شد. باب های این کتاب عبارتند از: 1- چگونگی پیدایش تشیع و فرقه های شیعه، 2- حیلها و نیرنگ های شیعه، 3- بنیان گذاران، دانشمندان و کتاب های شیعه، 4- اخبار و روایات شیعه و راویانشان، 5- الهیات، 6- نبوت، 7- امامت، 8- معاد، 9- مسائل فقهی شیعه، 10- مطاعن شیعه درباره خلفای سه گانه و سایر خلفا، 11- چیزهایی که تنها شیعه به آنها معتقد است و نزد دیگر فرق اسلامی یافت نمی شود، 12- تولا و تبرا.⁷⁹ آقا بزرگ تهرانی می گوید این کتاب مطلب تازه ای ندارد و به طور کامل از کتاب "الصواعق المحرقة في الرد علي اهل الكفر والزندقه" مولی نصرالله کابلی رونویسی و در واقع همان کتاب ترجمه و سرقت شده است. انتشار این کتاب که

⁷⁵ - ابن عبدالهادی، شاگرد ابن تیمیه با نوشتن "الصارم المنکی" به سبکی پاسخ داده و مجددا چند تن از عالمان سنی به رد نظرات ابن

عبدالهادی پرداخته اند؛ التوفيق الرباني، ص 92.

⁷⁶ - پیش از این با نام "دفع شبه من شبه و تمرد" چاپ شده بود؛ التوفيق الرباني، ص 7.

⁷⁷ - آقابزرگ، پیشین، ج 24، ص 416 و ج 1، ص 290 و 291 و ج 8، ص 251.

⁷⁸ - ماده تاریخ سال ولادت مؤلف.

⁷⁹ - میلانی، سید علی حسینی، خلاصه عبقات الانوار، ج 1، ص 158 و 159؛ آقابزرگ، پیشین، ج 10، ص 190.

شبهات و اتهامات بزرگی را علیه شیعه مطرح کرده بود، یکی از سخت‌ترین و سنگین‌ترین رویارویی‌های فکری - عقیدتی بین دو مکتب شیعه و اهل سنت را به ویژه در شبهه قاره هند، پدید آورد و موجب گردید شماری از دانشمندان شیعه، در پاسخ و رد همه یا برخی باب‌های آن و غالباً در رد باب هفتم که امامت باشد، کتاب‌ها تألیف کنند. شماری از این پاسخ‌ها عبارت‌اند از: "السيف المسلول علي مخربي دين الرسول" (الصارم البتار لفظ الفجار و قيد الاشرار و الكفار) نوشته ابواحمد محمد بن عبدالنبي بن عبدالصانع أخباری نیشابوری اکبرآبادی (1178 - مقتول در 1232ق)؛⁸⁰ "الصوارم الالهيات في قطع شبهات عابدي العزي واللات" نوشته سید دلدار علی بن محمد معین نصیرآبادی نیشابوری نقوی لکهنوی (م 1235ق)؛ "تنبيه السفیه" اثر مولوی سیف‌الله بن اسدالله ملتانی.⁸¹ محمد رشیدالدین شاگرد دهلوی نیز، بر این کتاب و هم "حسام الاسلام" ردیه نوشته بوده که حکیم باقر علی، شاگرد سید دلدار علی در دفاع از استادش به رشیدالدین پاسخ می‌دهد.⁸² "حسام الاسلام و سهام الملام"،⁸³ "ذوالفقار"،⁸⁴ "احیاء السنة و اماتة البدعة بطعن الالسنه" هر سه تألیف سید دلدار علی است؛⁸⁵ "النزهة الاثني عشرية في نقض التحفة الاثني عشرية الدهلوية" نوشته میرزا محمد بن عنایت احمد خان کشمیری دهلوی معروف به علامه دهلوی و متخلص به کامل (م 1235ق). وی در این کتاب هر کدام از باب‌های تحفه را در جلدي جداگانه نقد و رد کرده است.⁸⁶ فردی از علمای اهل سنت در رد باب نهم النزهه، کتاب "رجوم الشیاطین" را نوشت و سید جعفر معروف به ابوعلی خان حسینی موسوی بنارسی دهلوی، "معین الصادقین فی رد رجوم الشیاطین" را در پاسخ آن نگاشت.⁸⁷ سید جعفر کتاب "برهان الصادقین" را هم در نقد باب هفتم نگاشت و با نام "مهجة البرهان" مختصر کرد.⁸⁸ "تکسیر الصنمین" هم اثر دیگر سید جعفر در رد باب دهم

80 - اعجاز حسین، کشف الحجب والاسرار، ص 314؛ آقابزرگ، پیشین، ج 15، ص 3.

81 - آقابزرگ، ذیل کشف الظنون، ص 36.

82 - اعجاز حسین، کشف الحجب والاسرار، ص 162.

83 - پیشین، ص 195.

84 - آقابزرگ، الذریعه، ج 10، ص 44.

85 - اعجاز حسین، پیشین، ص 28.

86 - آقابزرگ، پیشین، ج 24، ص 108.

87 - اعجاز حسین، پیشین، ص 536.

88 - آقابزرگ، پیشین، ج 3، ص 97.

التحفة الاثني عشرية است؛⁸⁹ "الاجناد الاثنا عشرية المحمدية العلوية الهاشمية في رد تحفة الاثني عشرية الدهلوية" نوشته سيد محمد قلي بن محمد بن حامد موسوي نيشابوري كنتوري (م 1260ق). اين كتاب در پنج جلد است كه هر کدام نام مستقل دارند⁹⁰ و عبارت‌اند از: "السيف الناصري"، رشيدالدين شاگرد دهلوي به آن جواب داده و سيد محمد قلي مجدداً با كتاب "الاجوبة الفاخرة في الرد علي الاشاعرة" به نقض جواب رشيدالدين پرداخته است،⁹¹ "تقليب المكائد"،⁹² "برهان السعادة"،⁹³ "تشبيد المطاعن لكشف الضغائن"⁹⁴ و "مصارع الافهام لقلع الاوهام"؛⁹⁵ "عبارات الانوار في امامة الائمة الاطهار" در چندین جلد و در رد باب هفتم (امامت) نوشته مير حامد حسين بن مير محمد قلي موسوي نيشابوري كنتوري لكهنوي هندي (1246 - 1306ق)،⁹⁶ اين كتاب در ميان آثار كلامي - حديثي شيعه از عظمت و جايگاه ويژه‌اي برخوردار است و به خاطر همين استواريش تا كنون پاسخي بر آن نگاشته نشده است؛⁹⁷ "الجواهر العبقريه" نوشته سيد مفتي محمد عباس بن علي اكبر شوشتري لكهنوي (م 1307ق)، در رد مباحث مربوط به غيبت امام دوازدهم عليه‌السلام.⁹⁸ همه اين كتاب‌ها به زبان فارسي نوشته شده‌اند.

و مناظرات مكتوب فراواني كه اين نوشته مجال ذكر همه را ندارد. اين جريان پاياني ندارد و تا زماني كه مسلمانان فرقه فرقه و دچار تشتت عقايد باشند به طور طبيعي در مقابل هم قرار گرفته و هر گروه در نفي ديگران و اثبات خود قلم خواهد زد.

2- رديه‌ها

89 - اعجاز حسين، پيشين، ص 137.

90 - آقابرگ، پيشين، ج 26، ص 29 و ج 4، ص 192؛ اعجاز حسين، پيشين، ص 161.

91 - آقابرگ، پيشين، ج 12، ص 290.

92 - اعجاز حسين، پيشين، ص 137.

93 - پيشين، ص 84.

94 - آقابرگ، پيشين، ج 4، ص 192.

95 - اعجاز حسين، پيشين، ص 524.

96 - آقابرگ، پيشين، ج 15، ص 214.

97 - ميلاني، سيدعلي، خلاصة عبارات الانوار، ج 1، ص 128.

98 - آقابرگ، پيشين، ج 5، ص 271.

چنان که گفته شد رديه نویسی با هدف نقد و رد و به اصطلاح، تخطئه عقاید و اندیشه‌های دیگران انجام می‌گیرد. تاریخ اسلام به دلیل فراوانی فرق و مذاهب، آکنده از این نوع نوشته‌ها و کتاب‌ها است هر چند عنوان رديه نداشته باشند. بسیاری از این گونه آثار، به ظاهر تنها معرفی یا اثبات حقانیت مذهب خاصی را به نمایش می‌گذارند اما در واقع، انکار و رد دیگر فرق و مذاهب را نیز در پی دارند. بررسی این رديه‌ها در طول تاریخ اسلام نشان می‌دهد که يك نزاع فرسایشی دراز مدت بین همه گروه‌ها به ویژه شیعیان امامی از يك سو و اهل سنت از سوي دیگر، از صدر اسلام وجود داشته است و طرفداران هر کدام از این دو گرایش، برای به زانو درآوردن رقیب از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند و به شدیدترین حربه‌ها همانند تکفیر و مباح دانستن جان و مال هم دست یازیده‌اند. نکته دیگری که جلب توجه می‌کند این است که شیعیان به رغم اقلیت و دور بودن از قدرت و ابزارهای سیاسی، هیچ گاه صحنه جدال فکری و عقیدتی را خالی نکرده و برای دفاع از هویت دینی و سیاسی خود حتی به قیمت نثار کردن خون‌های زیاد، بسیار کوشیده‌اند. از همین رو تا جایی که مقدور بوده به استحکام بنیادهای عقیدتی خود پرداخته و کمتر ایراد و اشکالی را بی‌پاسخ نهاده‌اند. از نظر حجم نگارش نیز در حوزه مباحث کلامی، تألیفات شیعه قابل توجه است؛ اما در باب پاسخ‌گویی به شبهات و رديه نویسی، به استناد مطالب پیش گفته و تتبعی که انجام گرفته، به نظر می‌رسد شیعه در قرون گذشته و نه عصر حاضر، بسیار فراتر از رقیب خود قلم زده باشد چرا که اهل سنت، خود را حق مسلم پنداشته و به اتکالی قدرت سیاسی چندان نیازی به دفاع نمی‌دید و غالباً به شبهه افکنی درباره مذهب و ماهیت شیعه می‌پرداخت. اما شیعه که برای خود اصالت و مشروعیت قایل بود، در برابر تهاجمات ریز و درشت و برای دفاع از کیان عقیدتی و حفظ جایگاه سیاسی، چاره‌ای جز پاسخ‌گویی نداشت. از این رو، گاه در جواب يك اشکال یا اتهام، کتاب‌ها نوشته و از دیدگاه‌های مختلف پاسخ داده است. به همین علت است که انبوهی از انکارها و پاسخ‌نامه‌های شیعی به دست عالمان و نظریه پردازان شیعه پدید آمده است. ناگفته پیداست که در طول تاریخ اسلام، این روند یکسان پیش نرفته و هر زمان و هر کجا که مناقشه بیش‌تر و تهاجم علیه شیعه سخت‌تر بوده، تکاپوی شیعه هم برای دفاع، افزون‌تر و جدی‌تر می‌شده است. به همین خاطر مرکز ثقل مناظره‌ها و جدل‌ها، از باب نمونه گاه بغداد، گاه ري و گاه شبه قاره هند بوده است. در ادامه

و برای آگاهی بیشتر از سیر اجمالی نقدهای فرقه‌ای و روشن‌تر شدن فضای ریه نویسی، شماری از دانشمندان شیعه و سنی که در این وادی کتاب نوشته‌اند را به همراه برخی آثارشان می‌آوریم؛ گفتنی است که مهم‌ترین موضوع اختلافی بین شیعه و سنی، مسأله امامت و خلافت مسلمین است که حجم زیادی از ردیه‌ها را به خود اختصاص داده است. اهل سنت در رد شیعه، عمدتاً از عنوان رافضه استفاده می‌کنند ولی شیعیان با این که چندان محدود به واژه خاصی نیستند اما بی تمایل نیستند که اهل سنت را حشویه⁹⁹ بنامند.

1-2. ردیه‌های علمای سنی بر ضد شیعه

از میان دانشمندان اهل سنت، شمار زیادی علیه تاریخ و باورهای شیعیان، کتاب نوشته‌اند که به برخی اشاره می‌شود؛ ابوسهل بشر بن معتمر هلالی بغدادی (م 210ق): الرد علی الرافضه؛¹⁰⁰ بشر بن غیاث بن ابی کریمه مریسی عدوی (م 218ق): الرد علی الرافضه فی الامامه؛¹⁰¹ ابوبکر عبدالرحمان بن کیسان اصم (م 225ق): الرد علی الرافضه؛¹⁰² ابو عمرو ضرار بن عمرو غطفانی (م حدود 190ق): الرد علی الرافضه والحشویه؛¹⁰³ جاحظ عمرو بن بحر بصری (م 255ق): الامامة علی مذهب الشیعه؛¹⁰⁴ ابن باقلانی محمد بن طیب بن محمد بصری (م 403ق): الرد علی الرافضه؛¹⁰⁵ ابوالقاسم هبة الله بن عبدالله قفطی (م 697ق): الرد علی الرافضه (الروافض)؛¹⁰⁶ ابن تیمیه: الرد علی الرافضه والمعتزله والخوارج والجهمیه؛¹⁰⁷ ابن عاقولی محمد بن محمد بن عبدالله

⁹⁹ - گروهی از اهل سنت قایل به تجسیم خداوند متعال که به ظواهر قرآن تمسک می‌جستند؛ سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم،

ص 246؛ دشتی، معارف و معاریف، ج 4، ص 570.

¹⁰⁰ - الندیم، پیشین، ص 185؛ اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، ج 1، ص 232.

¹⁰¹ - ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 10، ص 201.

¹⁰² - الندیم، پیشین، ص 214.

¹⁰³ - پیشین، ص 215؛ زرکلی، پیشین، ج 3، ص 215.

¹⁰⁴ - پیشین، ص 210.

¹⁰⁵ - ذهبی، پیشین، ص 190.

¹⁰⁶ - حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج 1، ص 839.

¹⁰⁷ - صفدی، الوافی بالوفیات، ج 3، ص 177.

واسطی بغدادی شافعی (م797ق): الرد علی الرافضه؛¹⁰⁸ عبدالله تازی مراکشی (م1009ق): المناظره و المعارضه فی رد الرافضه؛¹⁰⁹ نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی (م1014ق): سلاله الرساله فی ذم الروافض من اهل الضلاله؛¹¹⁰ علی بن احمد هیتی (م1029ق): السیف الباتر لرقاب الشیعه والرافضه الکواقر؛¹¹¹ احمد بن عبدالاحد سهرندی (سرهندی) فاروقی، صوفی نقشبندی حنفی معروف به امام ربانی (971 - 1034ق): رد الشیعه.¹¹² یکی از پژوهشگران درباره نقش این فرد در باب نقد شیعه می‌گوید: یکی از رديه‌هایی که بر شیعه در هند نوشته شد، رساله عارف مشهور احمد سرهندي است. وي دليل نگاشتن رساله خود را چنین بیان می‌کند: "هنگامی که ازبک‌ها وارد خراسان شدند، شیعیان به سمت هند آواره گشتند و این جا قدرتی یافته‌اند. اکنون وظیفه من است تا به آنان پاسخ دهم." این زمانی بود که رديه علمای ازبک بر شیعیان و پاسخ علمای مشهد به آنان که جوابیه متینی بود، در هند انتشار یافته و موجی به نفع شیعه ایجاد کرده بود. کار احمد سرهندي نقد نویسی بر شیعه را در هند بنیاد نهاد. البته در همین دوره آثار قاضی نورالله هم در هند انتشار یافت و ادبیات نقد دوطرف را توسعه بخشید.¹¹³

2-2. رديه‌های دانشمندان شیعه

شیعیان نیز در موضوعات گوناگون تاریخی، فقهی، کلامی، قرآنی و حدیثی و در رد گروه‌ها و جریان‌های مختلف رديه نوشته‌اند که در این جا، چند نمونه ذکر می‌شود:

ابومحمد هشام بن حکم (م199ق): الوصیه والرّد علی منکریهها، امامة المفضول، الحکمین، الرد علی المعتزله و طلحة و الزبیر، الرد علی المعتزله؛¹¹⁴ ابومحمد ثبیت بن محمد عسکری،

108 - اسماعیل پاشا، پیشین، ج 2، ص 175.

109 - کحاله، پیشین، ج 6، ص 100.

110 - اسماعیل پاشا، پیشین، ج 1، ص 752.

111 - اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون، ج 2، ص 35؛ زرکلی، پیشین، ج 4، ص 258.

112 - اسماعیل پاشا، هدیة العارفین، ج 1، ص 156، زرکلی، پیشین، ج 1، ص 143.

113 - جعفریان، رسول، مقاله "پژوهش‌های تاریخ تشیع"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی ماه 1387، ص 17.

114 - نجاشی، رجال النجاشی، ج 2، ص 398.

صحابی عسکریین علیهما السلام: کتاب تولیدات بنی امیه فی الحدیث و ذکر الأحادیث الموضوعه؛ 115
 ابوعلی محمد بن احمد بن جنید اسکافی (م 282ق): خلاص المبتدئین من حیرة المجادلین، ایضاح
 خطأ من شنع علی الشیعة فی امر القرآن؛ 116 ابو جعفر محمد بن خلیل بغدادی سکاکی، شاگرد هشام
 بن حکم: الرد علی من ابی وجوب الامامة بالنص. 117 ابو یحیی احمد بن داود بن سعید فزاری
 جرجانی، صحابی امام هادی علیه السلام: خلاف عمر بروایت اهل الحشو، محنة النائبة یصف مذهب
 اهل الحشو و فضائهم، مفاخرة البکرية و العمریه، الغوغاء من اصناف الامة من المرجئة و القدرية
 و الخوارج، التسوية فیہ خطأ ابن جریج فی تزویج عرب فی الموالی، الصهاکی، فضائح الحشویه،
 التفویض، الاوائل؛ 118 ابو محمد سهل بن زادویه قمی: الرد علی مبغضی آل محمد
 صلی الله علی وآله؛ 119 شریف یحیی بن حسن بن جعفر نسابه علوی (م 277ق): الرد علی اولی الرقص
 و المکر فی من کنی بابی بکر. 120 ابوطالب عبیدالله بن ابی زید احمد بن یعقوب بن نصر انباری
 (م 356ق): الانتصار للشیع من اهل البدع، الابانة عن اختلاف الناس فی الامامة؛ 121 ابو عبدالله حسین
 بن عبیدالله غضائری واسطی (م 411ق): النقض علی من یتظهر الخلاف لاهل البیت. 122 سید شمس
 الدین فخار بن معد بن فخار موسوی حائری (م 630ق) شاگرد ابن ادریس و محقق حلی: الرد علی
 الذاهب الی تکفیر ابی طالب (حجة الذاهب الی ایمان ابی طالب)؛ 123 قاضی نور الله شوشتری: الرد

115 - نجاشی، پیشین، ج 1، ص 293. آقابزرگ کتاب اخیر را "نقض العثمانیه" آورده است؛ الذریعه، ج 24، ص 288.

116 - پیشین، ج 2، ص 310؛ اسماعیل پاشا، هدیة العارفین، ج 2، ص 51.

117 - آقابزرگ، پیشین، ج 10، ص 226.

118 - نجاشی، پیشین، ج 2، ص 436.

119 - پیشین، ج 1، ص 419.

120 - آقابزرگ، پیشین، ج 10، ص 186.

121 - نجاشی، پیشین، ج 2، ص 41.

122 - آقابزرگ، پیشین، ج 24، ص 290.

123 - پیشین، ج 10، ص 195.

علي شبهات الشيطان،¹²⁴ و الرد علي من نفي عصمة الانبياء.¹²⁵ مولي محمد بن حسن شيرواني (1098ق): الرد علي الفخر الرازي، در استدلال به آيه غار بر خلافت ابوبكر،¹²⁶

براي آگاهي بيشتر از رديه‌هاي دانشمندان شيعه و سني به پيوست شماره 1 مراجعه شود.

ب: وضعیت کنونی منازعات

در طول تاريخ اسلام اگر چه حرکت‌هاي عليه شيعه بي وقفه ادامه داشته و در برخي دوره‌ها در اثر عوامل اجتماعي و يا اقتضانات سياسي، تبليغات ضد شيعي از شدت و گسترده‌گي بيش‌تري برخوردار بوده اما بر اساس آن چه ارايه شد، تا پيش از دوران معاصر، نوشته‌هاي کلامي و انتقادي شيعيان همپا و حتي افزون‌تر از اهل سنت است ولي در عصر کنوني و به ويژه پس از ظهور وهابيت، قضيه کاملاً به عکس شده و کتاب‌ها و رساله‌هايي که در رد شيعه و شبهه افکني درباره عقايد شيعه پديد آمده‌اند، در قياس با اقدامات شيعيان، از حجم بسيار زيادي برخوردار است. البته از اين نکته نبايد غفلت کرد که تهاجم عليه شيعه، تا حد زيادي به فراز و فرود شيعه بستگي داشته و دارد. به اين معنا که هر زمان و هر مکان، تفکر شيعي و مذهب شيعه از اقبال بيش‌تر و قدرت زيادتري برخوردار بوده، به همان ميزان هم مخالفان عقيدتي‌اش احساس خطر بيش‌تري کرده و به حجم تبليغات تخريبي خود افزوده‌اند.¹²⁷ اين مسأله مخصوصاً پس از روي کار آمدن دولت‌هاي شيعي، به روشني محسوس و مشهود است.¹²⁸ از همين رو است که پس از انقلاب اسلامي ايران به رهبري امام خميني، در کشوري شيعه مذهب که به شدت افکار جهان اسلام را تحت تأثير ظلم ستيزي و ايستادگي در برابر قدرت‌هاي سلطه‌گر غيرمسلمان قرار داد و در ميان ملت‌هاي ستم‌ديده و آزادي خواهان جهان، به خصوص مسلمانان، هواداران زيادي يافت، نويسندگان تندرو و متعصب سني و به ويژه وهابي را برآشفته تا از موج بيداري و گرايش مسلمانان خصوصاً جوانان به سمت ايران جلوگیری کرده يا از آن بکاهند و در اين راستا صدها کتاب و مقاله عليه شيعه و ايراني که با انقلابش به ترويج اين مذهب کمک کرده، نوشته‌اند. نگاه به آثاري که در پي مي‌آيد و در يك مقايسه صوري، اين حقيقت

¹²⁴ - پيشين، ج 10، ص 201.

¹²⁵ - پيشين، ج 10، ص 229.

¹²⁶ - پيشين، ج 10، ص 216.

¹²⁷ - برای آگاهی از موارد چنينی، رجوع شود به: ميلانی، خلاصه عقبات الانوار، ج 1، ص 23.

¹²⁸ - مشابه اقداماتی که ابن روزبهان با صفويه داشت و يا هجمه‌های کنونی که به شيعيان ايران و حزب الله لبنان می‌شود.

بیشتر روشن شده و نابرابری این تقابل نمایانتر خواهد گردید؛ اما به خاطر نقش فعال و هابیت در منازعات سیاسی - مذهبی عصر حاضر، سزاوار است به جایگاه مذهبی این تفکر در نگاه سایر مسلمانان اشاره شود.

و هابیت که ریشه در تفکرات سلفی‌گری سده‌های نخستین اسلامی و مشخصاً مذهب حنبلی دارد، از آغاز پیدایش، با همه مسلمانان درگیر شده و جز پیروان نحلّه خود همه از جمله پیروان ابوحنیفه، مالک و شافعی را تکفیر می‌کردند.¹²⁹ آنان ابن‌تیمیه ابوالعباس تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم بن عبدالسلام بن عبدالله بن خضر بن تیمیه حرانی دمشقی حنبلی مذهب (661 - 728ق) را الگویی مذهبی خود قرار داده‌اند و همانند خود ابن‌تیمیه،¹³⁰ در میان بیش‌تر فرقه‌های اسلامی از مشروعیت و مقبولیت برخوردار نبوده و گذشته از شیعه، بسیاری از علمای اهل سنت و حتی سلیمان بن عبدالوهاب (م. حدود 1210ق) برادر محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان بن علی بن احمد بن راشد بن یزید بن مشرف نجدی حنبلی (1115 - 1206ق)، بنیانگذار و هابیت، در رد و ابطال عقاید این فرقه تازه تأسیس کتاب نوشته‌اند که برخی از آن‌ها از این قرار است؛¹³¹

الحواشی المدنیة علی المقدمة الحضرمیه، تألیف بزرگترین استاد ابن‌عبدالوهاب، شیخ محمد بن سلیمان کردی شافعی (م 1194ق)؛¹³² تجرید سیف الجهاد لمدعی الاجتهاد، نوشته استاد دیگرش علامه عبدالله بن عبداللطیف شافعی؛¹³³ الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه، فصل الخطاب فی الرد علی محمد

¹²⁹ - محمد بن عبدالوهاب در کتاب "كشف الشبهات" که کتابچه‌ای کم حجم است و به گمان خود شانزده شبهه را مطرح و پاسخ داده، غیر از پیروانش همه را تکفیر کرده است؛ كشف الشبهات، ص 3 - 57؛ آقابزرگ، الذریعه، ج 25، ص 150.

¹³⁰ - علمای زیادی از سنی و شیعه در رد ابن‌تیمیه کتاب نوشته‌اند که به برخی از آن‌ها در متن اشاره شد. برای آگاهی بیش‌تر مراجعه شود به کتاب‌های التوفیق الربانی فی الرد علی ابن‌تیمیه الحرانی، نوشته گروهی از دانشمندان، الغدیر، ج 5، ص 86 به بعد و سلفی‌گری وهابی، حسن بن علی سقاف، ص 185 - 203.

¹³¹ - از مخالفین وی می‌توان به افراد زیر نیز اشاره کرد: ابن‌فیروز محمد بن عبدالله بن محمد بن فیروز احسائی، فقیه حنبلی مذهب (1142 - 1216ق)، کحاله، معجم المؤلفین، ج 10، ص 245؛ عبدالمحسن بن علی اشیقی فقیه حنبلی مذهب (م 187ق)، اسماعیل بن محمد باشه مالکی مذهب (م 1248ق)، زرکلی، الاعلام، ج 1، ص 326 و ج 4، ص 151. برای آگاهی بیش‌تر از دیگر رده‌ها علیه و هابیت رجوع شود به: جعفر سبحانی، فی ظل اصول الاسلام، ص 350 - 355 و حسن سقاف، سلفی‌گری وهابی، ص 185 - 203.

¹³² - سقاف، حسن بن علی، سلفی‌گری وهابی، ص 63.

¹³³ - سبحانی، فی ظل اصول الاسلام، ص 350.

بن عبدالوهاب، هر دو تألیف سلیمان بن عبدالوهاب؛¹³⁴ المشكاة المضية في الرد علي الوهابيه، علي بن عبدالله بغدادی سويدي (م. حدود 1170ق)؛¹³⁵ صلح الاخوان في الرد علي من قال علي المسلمين بالشرك و الكفران في الرد الوهابيه، المنحة الوهبية في الرد علي الوهابيه، و چند اثر ديگر نوشته شيخ داود بن سليمان بغدادی نقشبندی حنفي (1222 - 1299ق)؛¹³⁶ الدرر السنیه في الرد علي الوهابيه، احمد بن زيني دحلان، مفتي شافعي مکه (1232 - 1304ق)،¹³⁷ الفتنة الوهابيه هم اثر ديگر دحلان است که چاپ شده است؛ الفجر الصادق في الرد علي منكري التوسل و الكرامات و الخوارق، جميل صدقي بن محمد فيضي بن ملا احمد بابان افندي زهاوي بغدادی (1279 - 1354ق)؛¹³⁸ الاقوال المرضية في الرد علي الوهابيه، محمد عطاءالله بن ابراهيم بن ياسين كسم، فقيه حنفي (م 1357ق)؛¹³⁹ الاوراق البغدادية في الحوادث النجدية، شيخ ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن رجب راوي صوفي رفاعي (1276 - 1365ق)؛¹⁴⁰ الوهابيه، مقالة نقدية، حامد الگار؛ الوهابيه، سامي قاسم امين مليجي؛ اللامذهبيه أخطر بدعة تهدد الشريعة الاسلاميه، و السلفيه مرحلة زمنية مباركة لامذهب اسلامي، محمد سعيد رمضان البوطي، كتاب دوم بوطي با عنوان: سلفيه بدعت يا مذهب، به دست حسين صابري ترجمه شده است؛ سلفي گري و هابي، حسن بن علي سقاف، ترجمه حميد رضا آژير.

به نظر مي رسد با گذشت زمان، و هابيت به خاطر اشتراكات فقهی و عقیدتی، با بیش تر اهل سنت سازگاري زيادي يافتند و به عنوان عضوي از جامعه اهل سنت پذيرفته شدند اما با شيعه در بیش تر مسايل

¹³⁴ - كحاله، معجم المؤلفين، ج 4، ص 269.

¹³⁵ - كحاله، پيشين، ج 7، ص 132.

¹³⁶ - اسماعيل پاشا، هدية العارفين، ج 1، ص 363. عبداللطيف بن عبدالرحمان بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب با نوشتن كتاب "منهاج التأسيس و التقديس في كشف شبهات داود بن جرجيس" به رد صلح الاخوان پرداخته است. سرکيس، معجم مطبوعات العربية والمعرب، ج 1، ص 169.

¹³⁷ - اسماعيل پاشا، پيشين، ج 1، ص 191. بدرالدين خان محمد بشير بن محمد فاروقی عمری (1250 - 1326ق)، در رد نظر دحلان كتاب "صيانة الانسان" را نوشته است. كحاله، پيشين، ج 9، ص 103.

¹³⁸ - آقابزرگ، پيشين، ج 10، ص 236؛ سرکيس، پيشين، ج 1، ص 979. نخست در سال 1323ق در مطبعة الواعظ مصر و پس از آن به همت حسين حلمي ايشيق دو بار در سالهای 1396 و 1406 در استانبول به چاپ رسیده است؛ سيد عبدالله محمد علی، "معجم ما ألقه علماء الاسلام ردا على الوهابيه"، مجله تراثنا، شماره 17، ص 171.

¹³⁹ - كحاله، پيشين، ج 10، ص 293.

¹⁴⁰ - آقابزرگ، پيشين، ج 10، ص 235 و 236.

عقیدتی - سیاسی اختلافات عمیق داشتند و تفکر شیعی را بزرگترین و اصلی‌ترین مانع و مشکل بر سر راه خود یافته و هنوز هم می‌شناسند. از این رو، اغلب علمای وهابی، تشیع را در رأس حملات خود قرار داده و در مبارزه با تفکر شیعه، از هیچ اتهام و افتزایی دریغ نکرده و جان و مالش را همچون کفار مباح دانسته و می‌دانند. به همین خاطر با گذشت زمان، نزاع سنتی شیعه و سنی، بیش از همه به رویارویی شیعه با تفکر وهابی‌گری مبدل شد. اگر چه کم نیستند دانشمندان سنی که هنوز هم پرتلاش و پرکار در رد و طرد اندیشه وهابیت می‌کوشند ولی متأسفانه بیش‌تر اهل سنت به دلایل مختلف از جمله رقابت با شیعه، وهابیت را به رسمیت شناختند و اکنون وهابیت در نزاع با شیعه، با ترفند قوم‌گرایی و تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی، می‌کوشد جناح اهل سنت را نمایندگی کند. بنابر این ما در بررسی منازعات عصر حاضر، بیش‌تر رده‌های شیعه و وهابیت علیه یکدیگر را ذکر خواهیم کرد. هر چند هنوز هم کم نیستند سنیانی که در رد شیعه کتاب می‌نویسند.

1- رده‌های شیعه

همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، اختلافات شیعه و سنی بر محورهای خاصی متمرکز بوده و با وجود همه تلاش‌های وحدت‌گرایانه، هنوز هم به سرانجامی دست نیافته است. در کنار متفکرانی که فرامذهبی‌اندیشیده و برای وحدت و انسجام مسلمانان می‌کوشند، متعصبان تندرو و در رأس همه وهابی‌ان تکفیری قرار دارند که در راستای اهدافی خاص، کورکورانه اختلافات را تشدید کرده و با پررنگ کردن زمینه‌های تفرقه، بر موضوعات ویژه‌ای بیش از سایر موارد تکیه می‌کنند. عمده مسائلی که محور حملات وهابیون بر ضد شیعه به شمار می‌روند مباحث؛ زیارت، شفاعت، تبرک، ساختن ضریح و بارگاه، عزاداری، عدالت صحابه، رجعت، تقیه و مواردی از این دست می‌باشد و رده‌ها نیز عمدتاً درباره همین موضوعات نگاشته شده‌اند.

برخی از کتاب‌هایی که دانشمندان شیعه در رد وهابیت و سلفی‌گری نوشته‌اند عبارت‌اند از: "الرد علی الوهابیه"، چند تن از علما کتابی با این نام دارند از جمله: میرزا محمد علی بن ابی‌القاسم غروی اردوبادی (م 1312ق)، محمد جواد بلاغی (م 1351ق)، سید محمد بن محمود عصار حسینی لواسانی طهرانی (م 1356ق)، مهدی بن محمد علی ثقة الاسلام اصفهانی، شیخ هادی بن عباس بن علی کاشف الغطاء نجفی

(م1361ق)،¹⁴¹ سید حسن صدر کاظمی (م1354ق)؛¹⁴² "منهج الرشاد" در رد شیخ عبدالعزیز بن سعود وهابی اثر شیخ جعفر کاشف الغطاء (م1227ق)؛¹⁴³ "الآیات البینات فی قمع البدع و الضلالت" در دفاع از شعائر حسینی و رد وهابیت، بابیت و مادی‌گرایی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (1294 - 1373ق)؛¹⁴⁴ "الآیات الجلیة فی رد شبهات الوهابیه" در دو جزء، شیخ مرتضی کاشف الغطاء (م1349ق)؛¹⁴⁵ "ازاحة الوسوسة عن تقبیل الاعتاب المقدسه" شیخ عبدالله بن محمد حسن مامقانی (م1351ق)؛¹⁴⁶ "البراهین الجلیة فی دفع تشکیکات (شبهات) الوهابیه" سید محمد حسن قزوینی حائری (م1380ق)؛ "التبرک" شیخ علی احمدی میانجی؛ "المواسم و المراسم فی الاسلام" سید جعفر مرتضی عاملی؛ "هذه هي الوهابیه" محمد جواد مغنیه؛ "ازهاق الباطل" در رد وهابیت، محمد بن عبدالوهاب آل‌داود همدانی (م پس از 1303ق)؛¹⁴⁷ "دعوی الهدی الی الورع فی الافعال و الفتوی" در رد فتاوی وهابیت در انهدام بقعه‌های متبرکه، تألیف محمد جواد بلاغی (م1351ق)؛¹⁴⁸ سید ابوتراب خوانساری (م1346ق) هم کتابی در این موضوع دارد؛¹⁴⁹ "المشاهد المشرفه و الوهابیون" محمد علی بن محمد جعفر حائری (م1354ق)؛¹⁵⁰ "دعوة الحق" در رد وهابیت نوشته سید میرزا هادی بن علی بجنستانی خراسانی (م1368ق)؛¹⁵¹ "الهادی" نوشته شیخ محمد بن حسین فارسی (معاصر) در رد "کشف الشبهات عن خالق الارضین و السماوات" محمد بن

141 - پیشین، ج10، ص 235 و 236.

142 - سبحانی، جعفر، فی ظل اصول الاسلام، ص 357.

143 - آقابزرگ، پیشین، ج 23 ص 186.

144 - پیشین، ج 1، ص 46. بخش مربوط به وهابیت با نام "نقض فتاوی الوهابیه" در مطبعة العلویه نجف به سال 1345ق و دیگر بار در شوال 1408 در شماره 13 مجله تراثنا با تحقیق سید غیاث طعمه چاپ شده است. همین تحقیق در سال 1416 از سوی مؤسسه آل‌البیت با ضمیمه مقاله "معجم ما لفة علماء الاسلام ردا علی الوهابیه" منتشر شده است.

145 - پیشین، ج 11، ص 62.

146 - پیشین، ج 11، ص 62. در سال 1345ق از سوی مطبعة المرتضویه نجف به همراه کتاب مخزن الالکی چاپ شده است؛ مجله تراثنا، ش 17، ص 152.

147 - پیشین، ج 11، ص 62.

148 - پیشین، ج 8، ص 206.

149 - پیشین، ج 25، ص 201.

150 - پیشین، ج 21، ص 38.

151 - پیشین، ج 8، ص 208.

عبدالوهاب؛¹⁵² "کشف الارتیاب فی رد عقائد اتباع محمد بن عبدالوهاب"، سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی (م 1371ق)؛¹⁵³ عبدالله بن علی القصیمی (1907 - 1996م) در پاسخ کشف الارتیاب، کتاب دو جلدی "الصراع بین الوثنیة و الاسلام" را نوشت. این کتاب پیش از تدوین کتاب سه جلدی "اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشریه" ناصر القفاری، قوی‌ترین اثر ضد شیعی و هابی‌ها در صد سال اخیر به شمار می‌رود. برخی از علمای شیعه همچون علامه امینی بر آن پاسخ نوشته‌اند. گفتنی است قصیمی که از نظر به پردازان و مدافعان توانمند و هابیت بود، مدتی پس از مهاجرت به مصر و درگیری علمی با علمای الازهر،¹⁵⁴ با فضایی دیگر آشنا و دچار دگرگونی‌های فکری شد و ده سال پس از نگارش الصراع بین الوثنیة و الاسلام، کتاب "هذی هی الاغلال" را در مخالفت با افکار قبلی‌اش و علیه عقاید سلفی‌گری و هابیت نوشت. وی کتاب‌های دیگری هم در مخالفت سلفی‌ها دارد؛ "کیف ذل المسلمون"، "العرب ظاهرة صوتیه" و "ایها العقل من رآک" از آن جمله‌اند. همین امر باعث سرشکستگی و عصبانیت و هابی‌ها گردید تا آن جا که قصیمی را تکفیر کرده و ملحد نامیدند و حتی در صدد ترور او برآمدند. کتاب‌های چندی نیز در رد افکار وی نوشته‌اند.¹⁵⁵ "مع الوهابیین فی خططهم و عقائدهم"، "الوهابیة فی المیزان"، "التوحید و الشرك فی القرآن الکریم" و "فی ظل اصول الاسلام" جعفر سبحانی؛¹⁵⁶ "الوهابیة و التوحید"، علی کورانی؛ "الوهابیة: جزورها التاریخیه... موافقها من المسلمین"، حسین ابوعلی؛ السلفية بین اهل السنة و الامامیه" محمد کثیری؛

2- رديه‌های وهابیان و سنیان علیه شیعه

¹⁵² - پیشین، ج 25، ص 150.

¹⁵³ - پیشین، ج 18، ص 9. "العقود الدریه" نیز قصیده‌ای طولانی در رد شبهات و هابیت سروده سید محسن امین است؛ آقابرگ، پیشین،

ج 15، ص 302.

- وی در مصر کتاب "البروق النجدیه فی اکتساح الظلمات الدجویه" را در رد مقاله "التوسل و جهالة الوهابیین" یوسف الدجوی و¹⁵⁴ کتاب‌های "الثورة الوهابیه"، "شیوخ الازهر و زیادة الاسلام"، "الفصل الحاسم بین الوهابیین و مخالفهم" و "نقد کتاب حیاة محمد" حسنین هیکل را بر ضد ازهری‌های ضد و هابی نوشت؛ رسول جعفریان،

<http://www.historylib.com/site/SViewDocument.aspx?DocID=967&RT=List>

گفتنی است که شریف احمد بن صدیق غماری در دفاع از دجوی و رد قصیمی کتاب "قطع العروق الوردیه من صاحب البروق النجدیه"

را نوشت؛ حسن سقاف، سلفی‌گری و هابی، ص 202.

¹⁵⁵ - جعفریان، پیشین.

¹⁵⁶ - سبحانی، پیشین، ص 356 و 357. برخی از این آثار به فارسی برگردان شده‌اند.

بیشتر اشاره شد که وهابیت با تمام توان و از راه‌های گوناگون در صدد ضربه زدن به شیعه و اندیشه شیعی است. آنان در این راه آثار فراوانی پدید آورده‌اند که به شماره نمی‌آید و در این مختصر نمی‌گنجد. ما در این جا تنها چند نمونه از مهم‌ترین کتاب‌های سلفی‌گرایان در رد و تضعیف شیعه را می‌آوریم تا تلاش‌های بی‌وقفه و حجم انبوه نوشته‌های وهابیت بیشتر نمایان گردد؛

▪ **علی احمد سالوس:** استاد فقه و اصول در دانشکده شریعت دانشگاه قطر، عضو کنترل شرعی بانک اسلامی قطر، نایب رییس اول مجمع فقهای شریعت در آمریکا، عضو مجمع فقهی اسلامی "رابطه العالم الاسلامی" در مکه و عضو مجمع فقه و اقتصاد اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی است.

وی از دانشمندان ضد تقریب بوده و می‌گوید تا زمانی که شیعه مسأله امامت را به حوزه عقیده محدود و منحصر نکند و امامت را در مسایل شرعی دخالت ندهد، تقریب معنایی ندارد.¹⁵⁷ آثاری که او در رد شیعه نوشته عبارت‌اند از:

- عقیده الامامة عند الشيعة الاثني عشرية؛ دراسة في ضوء الكتاب و السنة.
- مع الاثني عشرية في الاصول و الفروع؛ دراسة مقارنة في العقائد و التفسير و الحديث و الفقه. این کتاب با عنوان "پژوهشی پیرامون اصول و فروع شیعه دوازده امامی" و در سه جلد (عقیده، تفسیر و حدیث) به فارسی برگردان شده است.
- فقه الشيعة الامامية و مواضع الخلاف بينه و بين المذاهب الاربعه¹⁵⁸
- اثر الامامة في الفقه الجعفري و أصوله.
- الامامة عند الجعفرية و الادلة من القرآن العظيم.
- الامامة عند الجعفرية في ضوء السنة.
- بين الشيعة و السنة؛ دراسة مقارنة في التفسير و أصوله، تفسير الرسول صلي الله عليه وآله و الصحابة و ما نسب لائمة الاثني عشرية.

▪ **احسان الهی ظهیر:** از دانشمندان پاکستانی وهابی مسلک است که در سال 1941 میلادی زاده شده

¹⁵⁷ - رجوع شود به: سالوس، بین الشيعة و السنة، ص 5 و 6.

¹⁵⁸ - سید امیر محمد کاظمی قزوینی ردیه‌ای بر این کتاب نوشته است با عنوان "محاورة عقائدية مع الدكتور علی احمد سالوس فی

کتابه: فقه الشيعة الامامية" که مرکز الغدير در سال 1414 به چاپ رسانده است.

و در سال 1987 در گذشته است. وی نیز از دانشمندان ضد تقریب بوده و از این که توانسته در مخالفت با آن، کتاب [الشیعة و السنه را] نوشته و اقداماتی انجام دهد، ابراز رضایت می‌کند.¹⁵⁹ وی چند کتاب در رد شیعه دارد؛

- الاسماعیلیه.
- الشیعة و التشیع، فرق و تاریخ.
- الشیعة و اهل البیت.
- الرد الکافی علی مغالطات الدكتور علی عبدالواحد وافی فی کتابه بین الشیعة و السنه؛ این کتاب را در نقد نظرات علی بن عبدالواحد وافی مصری سنی مذهب نوشته که او در کتاب خود بر خوردی منصفانه با تشیع داشته است؛ ولی احسان ظهیر، وی را نادان و جاهل به عقاید و آثار شیعه شمرده، سرزنش و نصیحت می‌کند و تهمت‌های ناروا به شیعیان به ویژه جمهوری اسلامی وارد می‌سازد. یکی از علمای شیعه (س.خ) در پاسخ آن کتاب "الشیعة و السنه فی المیزان" را نوشته است.¹⁶⁰
- الشیعة و القرآن.
- موقف الخميني من اهل السنه.

نخستین کتاب او گویا "الاسماعیلیه" است. او با این که این کتاب را در نقد اسماعیلیان نوشته اما مباحثی را مطرح کرده که اختصاص به اسماعیلیه ندارد بلکه همه شیعه را زیر سؤال برده است. مثلاً در باب پیدایش تشیع، آن را پس از مرگ عثمان و در زمان درگیری بین امیرمؤمنان علی علیه السلام و معاویه آورده و به همین بهانه به تحلیل نزاع معاویه با امام پرداخته و نتیجه گرفته است که اختلاف آنان عقیدتی یا بر سر امامت و خلافت نبوده بلکه دعوا بر سر قاتلان عثمان و تحویل آنان به معاویه بوده است.

همچنین برخی عقاید شیعه را نقد کرده و به زعم خود مستندات از کتب شیعه در رد امامت امامان شیعه، اثبات محبت آنان نسبت به ابوبکر و عمر و انکار علم غیب ائمه علیهم السلام آورده؛ اما با تحریف احادیث شیعه، روایات را تقطیع کرده و تنها بخشی از احادیث را برای بهره برداری

¹⁵⁹ - الهی ظهیر، الشیعة و اهل البیت، ص 5.

¹⁶⁰ - پیشین، ص 6.

خویش آورده است. و نیز با تکرار ادعاهای احمد امین مصری، نسبت‌های ناروایی به شیعه داده و شیعیان را فرزندان شکست خوردگان یهود حجاز، نصاری تبوک، ایرانیان قادیسیه و پیامبران دروغین نامیده که در پوشش پیروی از امام علی علیه السلام و دوستی اهل بیت علیهم السلام به دنبال مقاصد پنهان خود بوده و در پی نابودی اسلام هستند.¹⁶¹

وی در ادامه همانند بسیاری دیگر، عبدالله بن سبا را بنیان گذار تشیع معرفی کرده و با این که تذکر می‌دهد برخی معاصرین از جمله شیعیان منکر وجود چنین فردی هستند، ادعا می‌کند که براهین قاطعی بر وجود ابن سبا دلالت دارند. ولی در اثبات مدعایش همان دلایلی را ذکر می‌کند که آغاز نزاع بوده و برخی مستشرقان و محققان شیعه در صدد رد آن‌ها برآمده‌اند.¹⁶²

احسان الهی ظهیر، دو کتاب دیگرش: الشیعة و التشیع و بین الشیعة و اهل السنة را در خلال نگارش کتاب الاسماعیلیه، تدوین کرده است.¹⁶³

گویا در پاسخ ادعاهای احسان ظهیر، فردی با نام مستعار حقگو کتابی به نام "حجت اثنا عشری" می‌نویسد. ظهیر ادعا می‌کند چون پاسخ‌های قانع کننده نداشته، برای حفظ آبرویش نام مستعار برای خود برگزیده است.¹⁶⁴

- ناصر بن عبدالله بن علی القفاری: از اساتید دانشگاه در عربستان سعودی می‌باشد و هر دو رساله ارشد و دکتری خود را در نقد آثار و عقیده شیعه انجام داده و در قالب کتاب منتشر کرده است.
- فکرة التقريب بين السنة و الشیعة؛ پایان نامه کارشناسی ارشد او است که با نام "مساله تقرب بین اهل سنت و شیعه" در سال 1387ش به دست اسحاق دبیری عوضی ترجمه شده است.
- أصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشریه،¹⁶⁵ رساله دکترایش بوده و با عنوان "نقد و بررسی

161 - همو، الاسماعیلیه، ص 29 - 36.

162 - پیشین، ص 37.

163 - پیشین، ص 16.

164 - همو، الشیعة و التشیع، ص 9، پاورقی.

165 - عبدالقادر عبدالصمد ربه‌ای بر این کتاب با عنوان "الرد علی کتاب اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشریه للقفاری" نوشته و

اصول و پایه‌های مذهب شیعه دوازده امامی" ترجمه شده است. این کتاب که از جدیدترین آثار پدید آمده و هابی‌ها است و در سه جلد چاپ شده، از قوی‌ترین آثار آنان در نقد عقاید شیعه به شمار می‌آید و با این که ایرادات و کاستی‌های فراوان دارد اما قفاری برای نوشتن آن تتبع زیادی در منابع شیعه انجام داده که شایان توجه است. احمد عابدی در رساله دکتری خود، باب دوم این کتاب قفاری را مورد به مورد از حیث روش و محتوا نقد کرده و پاسخ داده است.¹⁶⁶

■ عثمان بن محمد الخمیس: از برجسته‌ترین عالمان حال حاضر و هابیت است که بر ضد شیعه کار می‌کند و تاریخ اسلام را از نگاه خود و با باورهای خود می‌نویسد و هر چه غیر آن باشد را اباطیل می‌خواند.¹⁶⁷ وی چند کتاب در این زمینه دارد؛

- حقه من التاریخ؛ با عنوان "نگرشی نو به تاریخ صدر اسلام" به دست اسحاق عوضی در سال 1385 ش فارسی شده است.

- متی یشرق نورک ایها المنتظر؛ این کتاب با عنوان "عجیب‌ترین دروغ تاریخ/ قرائتی از شخصیت امام مهدی محمد بن حسن عسکری از دیدگاه شیعه دوازده امامی" به دست اسحاق بن عبدالله عوضی ترجمه و با تصحیح و تعلیق عبدالله بن سلمان در سال 1387 ش/ 1429 ق منتشر شده است.

- آل البیت؛ رساله‌ای در مفهوم، مصادیق، حقوق، جایگاه و فضائل اهل‌بیت. نیز دیدگاه اهل‌سنت و شیعه نسبت به آنان. این کتاب به فارسی برگردان شده است.

- دروغ‌گویان را بشناسید، پاسخی کوتاه به دروغ‌های تیجانی؛ ترجمه کتابی از خمیس که جعفر تقی زاده به فارسی برگردانده است.

گفتنی است که مناظره‌ای بین او و دکتر عصام عماد انجام شده و در کتابی با عنوان زلزال چاپ شده است.

در سال 1422 ق از سوی انتشارات دارالوحدۃ الاسلامیه بیروت چاپ شده است.

¹⁶⁶ - برای آگاهی از پاسخ‌های احمد عابدی مراجعه شود به کتاب: کدامین راه؟، مهندس کیانی که به مقایسه شبهه‌های قفاری و پاسخ‌های عابدی پرداخته است.

¹⁶⁷ - رجوع کنید به: حقه من التاریخ، ص 13.

برای آگاهی از سایر رده‌های امروزی بر ضد شیعه، به پیوست شماره 2 مراجعه شود.

ویژگی رده‌های کنونی اهل سنت

آن چه درباره رده‌های معاصر وهابی‌ها و اهل سنت قابل توجه است، نخست آن که اهل سنت در سده‌های پیشین، برای رد عقاید شیعه به منابع سنی تکیه داشتند و با استفاده از محتوای کتاب‌های خود با شیعه مقابله می‌کردند. شیعیان نیز پیوسته با بهره‌گیری از متون اهل سنت، به دفاع از خود و اثبات حقانیت خود می‌پرداختند. اما در حال حاضر، رده‌های سنی، تفاوت ماهوی با گذشته پیدا کرده و همان روش شیعه را علیه خود شیعه به کار گرفته و می‌گیرند و با بررسی منابع شیعی، به نقد و رد عقاید شیعه می‌پردازند. برخی از همین چند نمونه‌ای که پیش‌تر ذکر شد، با استفاده از این شیوه و خصوصاً با تکیه بر احادیث ضعیف و غیر معتبر موجود در مصادر شیعی، عقاید و منابع روایی و کلامی شیعه را به طور جدی به چالش کشانده و سؤالاتی را برانگیخته‌اند. نکته دیگر، ارایه تعریفی نو از تعامل شیعه با اهل بیت علیهم السلام است. اینان با معرفی اهل بیت به عنوان دوست‌داران خلفای نخست و مخالف با بسیاری از رفتارهای شیعیان، تلاش می‌کنند تشیع را در تقابل با راه و روش اهل بیت نشان داده و شیعه را از اهل بیت جدا کرده و دور سازند و با توسل به این شیوه، پیروی شیعه از اهل بیت علیهم السلام را دروغین جلوه داده و بطلان عقایدشان را اثبات نمایند.

ناگفته نماند که بعضی ساده‌اندیشی‌ها و خوش‌بینی‌های شیعه به ویژه بزرگ‌نمایی‌های جمعیت و آثار شیعه در آثاری همانند "اعیان الشیعه" سید محسن امین و "الذریعه الی تصانیف الشیعه" آقابزرگ تهرانی در شیعه نامیدن افرادی که مثلاً اثری در فضایل عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و یا درباره موضوعات شیعی داشته‌اند، همچنین استظهار تشیع افراد به استناد اساتید و شاگردان، پذیرش هر فضیلت و منقبتی برای اهل بیت علیهم السلام و نقل اخبار و روایات ضعیف بدون توجه به دخل تصرف‌های غلات و افراد منحرف، موجب شهامت و جسارت مخالفان در ایراد اتهامات واهی نسبت به شیعه شده است که اگر دقت لازم در گزینش اخبار و روایات می‌شد و هر فردی به صرف برخی اخبار و آثار، شیعه تلقی

نمی‌شد و مهم‌تر آن که شیعه پیش از دیگران در صدد نقد و پالایش منابع خود بر می‌آمد، موارد کم‌تری دستاویز دشمنان و مخالفان می‌گردید.

سخن پایانی

با توجه به رديه‌هاي پيوستي، ملاحظه مي‌گردد که این مقدار، حجم بسیار اندکی از کوشش اهل سنت عموماً و وهابیت و سلفی‌نماها خصوصاً، آن هم تنها در حوزه نوشتاری بر ضد شیعه است و همین مختصر گویای تلاش بی‌وقفه و همه‌جانبه اهل سنت در تشکیک در مذهب تشیع و بدبین کردن پیروان دیگر مذاهب و حتی ادیان دیگر علیه شیعه است.¹⁶⁸ از آن مهم‌تر غفلت شیعیان از هجمه‌ها و تخریب‌های مخالفان نسبت به باورهای خود است. شیعه که در سده‌های گذشته از هیچ شبهه‌ای نمی‌گذشت و هیچ رديه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاشت، جای بسی شگفتی است که در برابر حملات تند دشمنان فکری و عقیدتی، تحریک مناسبی نشان نمی‌دهد. این امر و انبوه تردید و تشکیک‌ها که بنیادها و ساختارهای تشیع را هدف گرفته، اگر موجب بیداری شیعیان و جنبش عالمان و نظریه پردازان شیعه نشود، در دراز مدت اثرات منفی خود را بر جای نهاده و آسیب‌های جبران ناپذیری خواهد گذاشت. اگر چه برخی از دانشمندان شیعه تلاش‌هایی دارند اما در مقایسه با سنگینی تهاجم، بسیار ناچیز است. کافی است به این نکته توجه شود که در کنار انبوه کتاب‌ها، مقالات و نشریه‌ها، در دنیای کنونی که ابزار مختلفی در دست بشر قرار گرفته، مخالفان شیعه از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت نیز ضربات سهمگینی به عقاید شیعه وارد می‌کنند و طبق برخی آمار تقریبی، تنها حدود چهل هزار پایگاه اینترنتی اهل سنت علیه شیعه فعال است.¹⁶⁹ از این رو لازم و ضروری است که علمای شیعه، به موضع‌گیری‌های شفاهی که بیش‌تر بازتاب داخلی دارد، بسنده نکنند و همچون علمای سلف

¹⁶⁸ - وهابیت در این راستا سرمایه‌های هنگفتی در سراسر جهان بر ضد شیعه هزینه می‌کند. در کشور عربستان هم می‌کوشد با تبلیغات

گوناگون و با استفاده از فرصت سفرهای زیارتی، خود شیعیان را نسبت به عقایدشان بدبین سازد.

- ناگفته نماند که شیعیان هم در اینترنت تلاش‌هایی دارند و مهم‌ترین مناظره‌های شیعه در اینترنت، با نام "الانتصار" در شش جلد¹⁶⁹ به عربی و به قلم عاملی از سوی انتشارات دارالسیره بیروت در سال 1421ق منتشر شده و در پایگاه اینترنتی: <http://dl.islamicdoc.com/Multimedia/fbook/2061> / نیز در دسترس است. ولی غالب این مناظره‌ها محدود به اندک استدلال‌های برخی کتب شیعه است. شیعه در باب مناظره چه در بعد کلام و چه در مباحث تاریخی دستی پر و توانمند دارد. از این رو توقع می‌رود افراد زیر دست و آگاه به تاریخ و کلام وارد این حوزه‌ها شده و نظرات شیعه را در قالب‌های نو و مطابق خواست و نیازهای روز ارائه دهند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

شیعه، با قلم‌های محکم و استوار به دفاع از کیان مکتب والای اهل‌بیت علیهم‌السلام بپردازند. سزاوار است حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های ایران نیز موضوعاتی در راستای دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات مخالفان را در برنامه‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های خود بگنجانند.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد